

بررسی فقهی و حقوقی نقش عرف در مصرف مسکرات^۱ (نگاهی به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی)

علمی - پژوهشی

میثم موسی زاده^۲

کیومرث کلانتری**

اصغر عباسی***

علی قربانی****

چکیده

یکی از جرائمی که مورد اتفاق فقهای اسلام قرار دارد، شرب خمر است و نص صریح قرآن به این حکم دلالت دارد، اما مسئله‌ای که همواره در بین فقهای عامه و خاصه درباره آن اختلاف دارند، آن است که مصادیق شرب خمر و آنچه موجب اجرای حد بر مرتکب می‌شود چیست؟ در میان اقسام مسکرات کدام موارد موجب حد شرب خمر می‌گردند؟ با توجه به مواد جدید زایل کننده عقل، ملاک و معیار برای تشخیص مسکر از دیدگاه عرف چیست؟ آیا شیوه استعمال هم در اجرا یا عدم اجرای حد تأثیر دارد؟ آیا از دید عرف، این جرم فقط از طریق نوشیدن صورت می‌گیرد یا استعمال از راه‌های دیگر نیز موجب ثبوت این حد است؟ با توجه به اینکه قانون مجازات جدید اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۴ مصادیق جدیدی از شیوه استعمال همچون تدخین و تزریق را مطرح نموده و از سوی دیگر درباره مصادیق مسکرات ساکت است، بررسی فقهی و حقوقی نقش عرف در

^۱ تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (meysammosazadeh@iauc.ac.ir)

** استاد، گروه حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسؤول) (kalantar@atnit.ac.ir)
*** استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
(drabbasi۱۹۱@gmail.com)

**** استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (agt1350@gmail.com)

تشخیص مصادیق و شیوه استعمال مسکرات ضروری به نظر می‌رسد. خلاصه پژوهش اینکه اولاً در مصرف مسکرات بین جامد و مایع فرقی نیست، ثانیاً صرف مصرف مسکرات مصنوعی موجب حد می‌گردد چه سبب مستی شود یا نشود، ثالثاً در شیوه‌های غیرمتعارف مصرف مسکرات، عرف به‌عنوان مبناست.

کلید واژه‌ها: مسکر، عرف، مواد مخدر، تزریق، تدخین.

۱- مقدمه

شریعت مقدس اسلام شرب خمر را شدیداً تحریم نموده است. به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم فرموده است: «الخمر ام الخبائث» شراب مادر تمام پلیدی‌ها و منشأ همه ناپاکی‌هاست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ح ۳۱۹۹۹، ۳۱۷). این سخن تمام ابعاد جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی افراد بشر را، در رابطه با عوارض ناشی از شراب‌خواری در بر می‌گیرد؛ از جمله سخنانی است که تاریخ صدر اسلام را رقم‌زده است. چهارده قرن قبل، زمانی که جوامع بشری در ظلمت جهل و بی‌خبری دست‌وپا می‌زد و همه‌چیز را از دیدگاهی سطحی می‌نگریست و به عمق و اساس مسائل و ریشه دردها نمی‌اندیشید، پیامبر اسلام در یک کلام کوتاه و پرمغز شراب را مادر همه پلیدی‌ها و سرچشمه همه ناپاکی‌ها دانسته و جامعه اسلامی را از میگساری و شراب‌خواری بر حذر داشته است.

امروزه ثابت‌شده است که اسلام در برخورد با مسئله مسکرات، راه راست و درستی را برگزیده و بدین‌جهت است که دنیای امروز، بر حقانیت جزایی اسلام، نسبت به مصرف مسکرات صحنه می‌گذارد. علم کنونی نیز ثابت کرده است که مواد الکلی به‌راستی «ام الخبائث» و ریشه همه تبه‌کاری‌ها و مفسده‌هایی است که مایه از بین رفتن عقل، فکر، سلامت و ثروت و گسیختگی نظام خانواده می‌شود. اما یکی دیگر از بلاهای خانمان‌سوز به‌مانند مصرف مسکرات که آفتی بر پیکر جامعه بشری است مصرف انواع مواد مخدر و روان‌گردان می‌باشد که قدرت تفکر، خلاقیت، توان و سازندگی را از انسان‌ها گرفته و بنیان خانواده و اعتقادات و باورهای دینی آن‌ها را در معرض ازهم‌پاشیدگی و نابودی قرار داده است و متأسفانه روزبه‌روز تولید انواع مسکرات و مواد مخدر و روان‌گردان افزایش می‌باشد. بدیهی است که یکی از گام‌های بلند در امر مبارزه با مصرف مسکرات، پژوهش در زمینه حکم فقهی مصرف این مواد و روشن شدن تکلیف شرعی است. از آنجاکه ضرر و زیان ناشی از مصرف مواد روان‌گردان و مواد مخدر، به‌مراتب از شرب خمر، زیادت‌ر و شدیدتر است و نیز اثری تقریباً مشابه مسکرات دارند، ضروری است که فقهای معاصر مذاهب اسلامی با مشخص کردن معنای مسکر و محدوده آن، در خصوص مواد مخدر و

مواد روان‌گردان و حکم آن‌ها، با توجه به آثار تخریبی این مواد، طبق مصلحت جامعه، فتاوایی متناسب صادر نمایند.

نکته دیگر اینکه روایات وارده در باب شرب خمر، بیانگر این است که آنچه موجب ثبوت حد شرب خمر است، «شرب» مسکر است و شکل دیگر غیر از شرب و تناول مسکر، مثل تزریق یا تدخین آن، طبق ظاهر روایات، حد را ثابت نمی‌کند. قانون‌گذار کیفری نیز تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در راستای بیان حکم کیفری شرب خمر، به تبعیت از روایات وارده و متون فقهی، به این مطلب اشاره می‌کرد که «خوردن» مسکرات، با تحقق شرایط آن موجب حد شرب خمر است.

با توجه به تبعات و پیامدهای شرب خمر این عمل به‌عنوان یک جرم مستوجب حد در قانون آمده و قانون‌گذار مجازات اسلامی در بخش حدود به بیان شرایط این جرم و کیفیت اجرای حد بر مرتکب پرداخته است. در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ در ماده ۱۶۵ خوردن مسکر را موجب حد دانسته است. اعم از آنکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند ... ماده ۱۲۳ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ نیز حکمی شبیه حکم مذکور را آورده بود. «خوردن مسکر، کم یا زیاد، مست بکند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط، موجب حد است ...».

قبل از انقلاب، مصرف مسکرات به‌عنوان جرم حدی و فی‌نفسه جرم انگاری نشده بود بلکه مصرف آن به‌صورت علنی، مجازاتی را در پی داشت. ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۴ در این خصوص مقرر کرده بود:

- ۱- هرکس علناً استعمال تریاک یا شیره تریاک یا مرفین یا هروئین یا کوکائین یا بنگ یا چرس بنماید و یا متجاهراً مشروبات الکلی استعمال کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.
- ۲- دایر کردن شیره‌کش خانه و پپاله‌فروشی برای استعمال مشروبات الکلی و دایر کردن محل برای استعمال بنگ و چرس ممنوع است و مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود.
- ۳- اشخاصی که در قمارخانه یا پپاله‌فروشی یا در اماکنی که برای استعمال شیره یا تریاک یا مرفین یا هروئین یا کوکائین یا بنگ یا چرس دایر گردیده قبول خدمتی کرده یا در دایر کردن آن‌ها به نحوی از انحاء شرکت یا کمک نماید از قبیل پرداخت هزینه محل یا کرایه دادن اثاثیه، معاون جرم محسوب خواهند شد.

بخشی از این مقررات در حال حاضر نیز در مواد ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۰ و ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به‌عنوان جرائم تعزیری جرم‌انگاری شده است. همان‌طور که بیان شد در ماده ۱۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ و در راستای بیان حکم کیفری شرب خمر، به این مطلب اشاره می‌کند که: «خوردن مسکر موجب حد است اعم از آنکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند». ابهامی که در ماده فوق‌الذکر وجود داشت، مسئله استفاده از واژه خوردن بود به این معنا که آیا اگر مسکر جنبه تزریقی و یا تدخینی داشته باشد از مصادیق مسکری است که موجب حد است؟ و یا صرفاً وجوب حد منحصر به تناول است. آن‌گونه که در لسان روایات و کلام فقها از واژه (تناول) استفاده شده است. مقنن در ماده ۲۶۴ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تلاش نموده است که به این ابهام پایان دهد و با استفاده از واژه مصرف سؤال را پاسخ دهد. «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند مستوجب حد است».

به عبارتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عبارت مصرف مسکر را به‌کاربرده که نسبت به عبارت خوردن مسکر در قانون سابق، عبارتی عام‌تر است و از دیدگاه عرف شامل هرگونه واردکردن مسکر به داخل بدن است که دو نمونه آن یعنی تزریق و تدخین در این ماده بیان شده است. اما در خصوص مصادیق جدید مواد مخدر و روان‌گردان که تا چند قرن پیش به دلیل اینکه مبتلابه مردم نبوده یا موضوع ضرری به خود نگرفته از حرمت آن کمتر بحث شده و فقط در باب اطعمه و اشربه محرم و آنجا که استعمال زیاد برای انسان کشنده است، تحریم نموده‌اند، اما هرچه به زمان معاصر نزدیک می‌شویم با توجه به عرف و گسترش مصادیق جدید مسکرات و مخدرات و روان‌گردان و زیان‌هایی که بر جسم و روح انسان وارد می‌کند، بررسی مصادیق و انواع روش‌های مصرف مسکرات از تارنمای عرف، تسری حکم شرب خمر به مسکرات جدید و همچنین مرجع تشخیص مسکر بودن چیزی ضروری به نظر می‌رسد که در این پژوهش این موارد نیز موردبررسی قرار خواهد گرفت.

۲- مفهوم مصرف مسکرات

مسکر در لغت به معنای مستی و سکر است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ۲۸۱ و ۲۸۲؛ آذر نوش، ۱۳۹۱، ۴۶۰). ریشه آن از واژه سَکَرَ به معنی مستی (مرحله زوال عقل و حکومت هوس در انسان) آمده است. مُسکر

اسم فاعل است از باب إسکار، إسکار به معنی مست کردن و باعث مستی شدن است و مُسکر به معنی مست کننده است (فیض، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ۳۰۳۰ و ۳۰۴).

مستی در قانون مجازات اسلامی تعریف نشده و قانون گذار مستی را جرم انگاری نکرده است، بلکه خوردن مسکر طبق ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی^۱ از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند^۲ را جرم انگاری کرده، به طوری که اگر فردی ماده مسکر بخورد ولی مست نشود، حتی اگر یک قطره باشد به مجازات حد محکوم می‌شود.

بنابراین لازم است که تشخیص مسکر بودن چیزی به عرف واگذار شود، اما در خصوص اینکه از نظر عرف، مفهوم مست کنندگی چیست و اینکه چه چیزی مسکر محسوب می‌شود باید گفت هر آنچه قابلیت مست کنندگی داشته باشد مسکر است هر چند فعلاً مست کننده نباشد. در این رابطه شهید اول می‌گوید: آنچه جنس آن سکرآور است حتی قطره‌ای از آن حرام است^۳ (عاملی، ۱۴۱۰، ۲۶۰). بنابراین سکرآور بودن جنس چیزی و قابلیت مست کنندگی داشتن آن، از نظر عرف کافی است تا اینکه حکم به مسکر بودن چیزی کند اگرچه به هر دلیلی به خاطر مصرف آن، مستی ایجاد نشود.

مقنن در ماده ۲۶۴ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند مستوجب حد است». همان گونه که آشکار است، استفاده از کلمه (مصرف) مبین این معنا است که مقنن هر نحو از مصرف مسکر را اعم از شرب، تزریق و تدخین را جرم قلمداد نموده است و نهایتاً مرتکب را مستوجب مجازات حدی می‌داند. حال با توجه به وجود تفاوت میان قانون جدید و سابق، توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

- به جای عبارت (خوردن مسکر) در قانون سابق، عبارت (مصرف) مسکر در قانون جدید بیان شده است که عبارتی، عام‌تر است. خوردن، ظهور در نوشیدن از طریق دهان و حلق دارد اما مصرف کردن شامل هر گونه وارد کردن مسکر به داخل بدن است که دو نمونه آن (تزریق و تدخین) در ماده ۲۶۴ بیان شده است.

^۱ فما اسکر جنسه تحرم القطره منه.

- علت توسعه نحوه مصرف مسکرات، از آن جهت است که آنچه ملاک مجازات هست، قابلیت مست‌کنندگی است؛ یعنی قانون‌گذار به نتیجه عمل توجه دارد و شکل حصول نتیجه، اهمیتی ندارد.
- در قانون جدید تأکید شده است که جامد یا مایع بودن مسکر، تأثیری در اجرای حد ندارد. علت این تأکید، آن است که مشروبات الکلی غالباً به صورت مایع، تهیه و عرضه و مصرف می‌شود پس اگر تأکید قانون‌گذار وجود نداشته باشد ممکن است شبهه به وجود آید و در این صورت بر اساس قاعده (دراء) باید حکم به سقوط حد از کسی نمود که مسکرات جامد را نوشیده است.

۳- تقسیم‌بندی انواع مستی

مستی تعمدی (اختیاری):^۱ حالتی است که با مصرف زیاد مشروبات الکلی در طول زمان به صورت نشانه‌های یک بیماری عارض گردیده و زوال تدریجی عقل را به همراه دارد. فرد الکلیسم از آنجاکه قطعاً به تأثیر مصرف این مواد آگاه است اما به دلیل اعتیاد روانی شدید نمی‌تواند از آن اجتناب کند به عبارتی چنانچه شخص مست، خود را برای ارتکاب جرم مست نموده باشد و نتیجه فعلش یعنی مستی را اراده کرده باشد این گونه مستی را اختیاری گویند. به بیان دیگر استعمال مواد الکلی مسکر به منظور ارتکاب جرم را مستی اختیاری گفته‌اند. که چنین شخصی که بدون عذر شرعی خود را مست کرده و پس از فقد قدرت تمیز مرتکب جرم شده است (زراعت، ۱۳۸۹، ۵).

مستی اتفاقی: حالتی است که فرد از روی اتفاق مست شده باشد و از تأثیری که مسکر بر روان او خواهد داشت نیز آگاه نباشد اما در عین حال کاملاً مسلوب الاراده شده باشد. در قانون مجازات عمومی سابق ماده ۳۸ به صراحت مستی غیرارادی را پذیرفته بود که کسی که بر اثر اجبار یا تهدید که عادتاً قابل تحمل نباشد مبادرت به استعمال مواد مستی آور ناشی از استعمال مواد الکلی و مخدر و نظایر آن‌ها کرده باشد یا برخلاف میل خود تحت تأثیر آن‌ها قرار داده شده باشد. یا بر اثر اشتباه در خاصیت مواد مذکور مبادرت به استعمال کرده باشد موجب معافیت کامل یا نسبی مجازات وی از مجازات می‌شد. لکن همان‌گونه که

^۱ voluntary intoxication

بیان شد قانون مجازات اسلامی نسبت به این موارد اشاره‌ای نکرده است. در ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی بیان داشته: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها مانع مجازات نیست». همان‌گونه که مشاهده می‌گردد از مفهوم مخالف ماده استنباط می‌شود که مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف غیر اختیاری مسکرات و مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن مانع مجازات می‌باشد.

۴- اقسام مسکرات

مسکرات را به اقسام مختلفی از جمله «مسکرات مایع و جامد» و «مسکرات خالص و مخلوط» تقسیم می‌کنند که به بررسی تفصیلی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱- مسکرات مایع

در متون فقهی و به تبع روایات وارده معصومین در باب شرب خمر، هم از واژه خمر استفاده شده است و هم از واژه مسکر. در اینکه آیا خمر همان مسکر است یا اینکه خمر، غیر از مسکر می‌باشد، بین فقها اختلاف نظر است.

به عبارت دیگر آیا در شرع، هر مسکر مایع، خمر است و یا اینکه خمر فقط بر شراب انگور اطلاق می‌شود؟ نتیجه اختلاف مذکور در مورد برخی احکام جاری بر مسکرات از قبیل حرمت یا عدم حرمت مصرف و یا نجاست و طهارت مسکرات، مشخص می‌شود. مثلاً فقهای امامیه، مصرف تمامی مسکرات را حرام دانسته‌اند و در این رابطه تفکیکی بین خمر و مسکر، قائل نشده‌اند.^۱ در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست: بنابراین دیدگاه که منسوب به مشهور فقها می‌باشد، خمر تنها بر عصاره سکرآور انگور اطلاق می‌شود. برخی از فقهای امامیه قائل به این نظر هستند. از جمله ابن فهد حلی معتقد است: خمر در عصاره انگور حقیقت است و فقط بر آن اطلاق می‌شود (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۷۹). همچنین وحید بهبهانی می‌گوید: مشهور این است که خمر تنها به عصاره انگور اختصاص دارد و غیر از عصاره انگور، مسکرات دیگر هستند که جدای از خمر می‌باشند. (بهبهانی، ۱۴۱۹، ۷۹). از میان مذاهب اهل سنت نیز،

^۱ اما در میان اهل سنت، فقهای حنفیه، فقط خمر را چنین می‌دانند اما سایر مسکرات، مادامی که ایجاد مستی نکند، حرام نمی‌باشد.

مذهب حنفیه بر این باور است که خمر تنها شامل عصاره انگور می‌شود و غیر از عصاره انگور، فقط مسکر هستند که اگرچه مصرف آن‌ها حرام می‌باشد اما تنها در صورت ایجاد مستی، باعث ثبوت حد می‌شود (وحدتی شبیری، ۱۳۸۹، ۷۲). بقیه مکتب‌های فقهی اهل سنت، معتقدند آیه تحریم خمر همه انواع شراب را در بر می‌گیرد چرا که اولاً در زمان نزول آیه مزبور، بیشتر مشروبات مست‌کننده موجود در مدینه، از خرما به دست می‌آمد. درعین حال مسلمانان با شنیدن آیه تحریم، شراب‌های خود را در کوزه‌ها ریختند. و ثانیاً؛ روایاتی از رسول گرامی نقل شده مبنی بر این که «هر مست‌کننده‌ای خمر است». ثالثاً؛ در روایات دیگری تصریح شده که خمر از پنج چیز گرفته می‌شود: گندم، جو، کشمش، خرما و عسل. بنابراین لفظ «خمر» شامل تمامی نوشیدنی‌های سکرآور خواهد بود (همان).

قائلین به این دیدگاه علاوه بر استناد به کلام برخی لغت دانان و فهم عرفی مبنی بر اختصاص خمر به شراب انگور، به احادیثی تمسک کرده‌اند که دلالت بر دوگانگی میان خمر و سایر مسکرات می‌کند. از جمله این روایات دلالت‌کننده بر تحریم خمر به دستور خداوند متعال حرام شدن سایر مسکرات توسط پیامبر اکرم (ص) می‌باشد (حر عاملی، ج ۳، ۴۶۸ و ۴۶۹، ج ۲۵، ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۵۵). به عبارت دیگر از روایات برمی‌آید حرام بودن خمر در قرآن بیان شده و حرام بودن دیگر مسکرات، از سوی پیامبر (ص) اعلام شده است. در این گونه روایات، خمر و مسکر تفکیک شده است و این خود دلالت بر دوگانگی بین خمر و مسکر می‌باشد. این دسته از فقها، عطف مسکر را بر خمر در بعضی از روایات و نیز کلمات فقها، دلیل مغایرت آن دو با یکدیگر دانسته‌اند. این گروه معتقدند اطلاق رایج این واژه در کلمات فقها همان مفهوم خاص یعنی عصاره انگور است، لذا معمولاً پس از ذکر خمر، مسکر را به آن عطف می‌کنند و یا پس از بیان حکم خمر، دیگر مسکرات را در حکم، ملحق به خمر می‌دانند (بهبهانی، ۱۴۱۹، ۷۹).

در مقابل، به نظر گروهی از فقهای امامیه و اهل سنت هر نوشیدنی سکرآور، خمر به شمار می‌رود چه از انگور و چه غیر از آن، ماند خرما، کشمش، گندم، جو، برنج و عسل گرفته شده باشد. از بین فقهای امامیه می‌توان به محقق حلی اشاره کرده که می‌فرماید: مسکر همان خمر است که مشمول حکم خمر می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۴۲۴). در میان اهل تسنن نیز مذاهب حنابله و مالکی و شافعی بر این باور هستند که تمامی مشروبات مسکر، خمر هستند و دوگانگی بین خمر و مسکر وجود ندارد (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۵، ۳۰).

دلایل این گروه، افزون بر استناد به کلام برخی از اهل لغت، به احادیث متعددی استناد کرده‌اند که هر

مسکری را (بدون منحصر شدن آن در نوعی خاص) خمر و حرام شمرده‌اند یا به حاصل شدن خمر از عصاره پنبج، شش یا نه ماده - بنا بر اختلاف موجود در روایات - تصریح کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۳، ۱۲۹). از جمله این احادیث که هر مسکری را خمر دانسته‌اند این فرمایش امام باقر (ع) است که فرموده‌اند: پیامبر (ص) فرمودند که هر مسکری حرام است و هر مسکری خمر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۴۰۷). در این خصوص این روایات گفته شده است لفظ خمر در همان معنای عرفی خود یعنی شراب انگور، به کار برده شده است. ولی امام (ع) با توجه به انحرافی که در برخی از مکاتب عامه (یعنی عدم حرمت غیر از شراب انگور مادامی که منجر به مستی نشود) وجود داشته است، بطلان نظر آنان را با این سخن اعلام می‌نماید و این به نوعی، تنزیل و تشبیه است منتها نه تشبیه صریح بلکه به صورت ادعای توسعه موضوع، چنان که در جمله «الطواف بالبيت صلاه» ادعای صدق نماز بر طواف می‌کند تا احکام نماز همچون طهارت را برای طواف نیز اثبات نماید و با این توجیه می‌توان به اطلاق جمله تمسک کرد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۹، ۷۲).

بر این پایه این دیدگاه مصادیق خمر منحصر به موارد ذکر شده در احادیث نیست و نام بردن از آنها تنها به سبب عرف عصر تشریح بوده است. از این رو همه احکام خمر (اعم از حرمت، ناپاک بودن و موجب حد شرعی شدن) بر مشروبات سکرآور رایج در هر زمان، با ماهیت و نام‌های متفاوت، مترتب می‌شود. از این رو مسکرات مایع به مسکراتی گفته می‌شود که از استعمال (خوردن و تزریق و تدخین) نوشیدنی‌های سکرآور باشد به عبارت دیگر در نتیجه مصرف انواع مسکرات تخمیری و تقطیری در شخص ایجاد می‌شود را به اعتبار «مایع بودن» عامل مشروب با توجه به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی گویند. که فقها از نظر حکم تفاوتی بین خمر و سایر مسکرات اعم از تخمیری و تقطیری قائل نشده و به شرطی که قابلیت مست‌کنندگی و سکرآور بودن را داشته باشد کم باشد یا زیاد، مست بکند یا نکند، آن را مستوجب حد می‌دانند. نکته‌ای که باید گفته شود این است که عنوان مسکر نسبت به عنوان خمر یک معنای عام است. به عبارت دیگر، هر مسکر مایعی که از طریق سنتی عصاره گرفتن و تخمیر و تقطیر تولید می‌شود، هم مشمول عنوان خمر است و هم مشمول عنوان مسکر. اما غیر از این مسکرات یعنی مسکرات مایعی که از طریق صنعتی و شیمیایی تولید می‌شوند فقط مشمول عنوان مسکر قرار می‌گیرند و لفظ خمر بر آنها صدق نمی‌کند. بنابراین مسکرات طبق این توضیحات به مسکرات مایع سنتی و مسکرات مایع غیر سنتی یا صنعتی تقسیم می‌شوند. عرب برای هر یک از مسکرات مایع سنتی، نام

خاصی را انتخاب کرده است مثلاً برای شرابی که از انگور به دست می‌آید عصیر و به شراب عسل، بتع و به شراب گرفته‌شده از مویز، نقیع و به شراب گرفته‌شده از جو یا گندم، مرز و به شراب خرما، نیبذ می‌گویند که همه این‌ها، خمر یا مسکر مایع سنتی می‌باشند. اما مسکرات مایع صنعتی، مسکراتی هستند که حاوی مقداری الکل اتیلیک یا اتانول می‌باشد که از طریق صنعتی پتروشیمی و با تغییر شیمیایی در سوخت‌های فسیلی همچون گاز، زغال‌سنگ و نفت به دست می‌آید (آذربادگان، ۱۳۸۱، ۲۴۴).

۲-۴- مسکرات جامد (خشک)

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد مسکرات فقط منحصر به مسکرات مایع نیست، بلکه مسکر می‌تواند به‌صورت جامد نیز باشد. حال مسکر جامد یا بدین‌صورت است که در اصل مایع بوده و بعداً تبدیل به جامد شده است و یا از ابتدا جامد است، هرچند ممکن است با آب مخلوط شده و به حالت مایع درآید. از مسکرات جامد به‌عنوان مستی خشک هم یاد می‌شود. در بیان اینکه مستی خشک چیست باید گفت که چنانچه عامل بروز حالت مستی ماده‌ای جامد یا گاز مانند مواد مخدر و داروهای روان‌گردان که باعث زوال نیروی آگاهی و ایراد خلل به اراده فرد می‌شود را به مستی خشک تعبیر کرده‌اند. درواقع اثر زداينده قصد و اختیار خاص تنها الکل نیست، مواد مخدری هم که به‌صورت داروهای^۱ خواب‌آور و آرام‌بخش در دسترس عموم است متناسب با میزان مصرف آن‌ها دگرگونی‌های روانی مانند الکل در انسان پدید می‌آورد مانند بر بی‌توریک‌ها که همان حالت‌های مستی الکلی را تولید می‌کند و نشانه‌های از قبیل نقصان کنش‌های ذهن، اغتشاش شعور، قضاوت خطا و ... در انسان ظاهر می‌سازد این نوع مستی در اصطلاح مستی خشک^۲ نامیده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۹۰). بدین ترتیب بحث را در دو قسمت ادامه می‌دهیم:

^۱ مهم‌ترین این داروها انواع باربیتوریک‌ها و مخدرها هستند که نمونه‌های شاخص آن عبارت‌اند از: آسپیرین، اپتالیدین، بلرگال، والیوم، لومینال، سکونال، آمیتال، فنو باربیتال، اگزاسپام، دیازپام، لورازپام و ... مصرف این داروها علاوه بر اینکه باعث ایجاد حالت شبیه به مستی الکلی می‌گردد. در صورت طولانی بودن زمان مصرف اعتیادآور نیز می‌باشد. داروهای خواب‌آور و مسکن به اشکال قرص، شربت، آمپول و گرد استنشاقی مورد مصرف قرار می‌گیرند.

^۲ dry drunk

۱-۲-۴- مسکرات جامد بالعرض

مسکری است که در اصل مایع بوده و در اثر عواملی مثل انجماد تبدیل به مسکر جامد شده است. در بین فقها در خصوص اینکه آیا منجمد شدن مسکرات مایع بدون تغییری در ماهیت آنها ایجاد شود، باعث تغییر حکم آنها می‌شود یا خیر؟ بحث‌هایی مطرح شده است. علامه حلی در این باره می‌گوید: اگر خمر منجمد شود، از نجس بودن خارج نمی‌شود^۱ (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ۶۵) و همچنین شهید اول در این رابطه معتقد است: که منجمد شدن، مایعی را که در اصل مسکر است، پاک نمی‌کند (عاملی، ۱۴۱۹، ۱۱۸).

اما در مقام جواب باید گفت که در حقیقت این انجماد تغییری در حکم ایجاد نمی‌کند و این به خاطر این است که از دیدگاه عرف، یخ‌زدگی حالتی است که بر یک ماده عارض می‌شود و ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد، مثلاً میوه که در زمستان یخ می‌زند باز نام میوه بر آن صادق است، مثل اینکه می‌گویند سیب‌زمینی بر اثر هوای بسیار سرد، یخ‌زده است. ولی نام و ماهیت عرفی آن تغییر نمی‌کند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۹، ۷۹).

۲-۲-۴- مسکرات جامد بالاصاله

نوع دیگر از مسکر جامد مسکری است که اصالتاً و از ابتدا جامد باشد، هرچند ممکن است بعداً با آب مخلوط شود و به مسکر دیگری تبدیل شود. آنچه در اینجا جای تردید است، بحث موضوعی و تصور مسکر جامد است. مثالی که در کتب فقهی و خاصه برای مسکر جامد ذکر می‌کنند، بنگ، حبشیش و مانند این موارد است. برخی این مواد را مسکر نمی‌دانند و معتقدند که هم از لحاظ علمی و آثار مترتب بر مصرف آنها با مسکرات فرق دارند و هم از لحاظ عرفی و اینکه عرف بین مسکر و مخدر فرق می‌گذارد و هرگونه حالتی که ضد هوشیاری است را، مستی نمی‌داند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ۳۶۷). در مقابل عده‌ای این مواد را مشمول احکام مسکرات اعم از حرمت مصرف و وجوب حد در صورت مصرف می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۹، ۲۰۳).

^۱ با وجود این صاحب جواهر در این مسئله مخالفت کرده و می‌گوید: وقتی مایع مسکر به حالت جامد درآید، دیگر بر آن مسکر و یا خمر صادق نیست. از این رو نمی‌توان به اطلاق دلیل نجاست خمر یا مسکر، استدلال کرد. از سوی دیگر اصل استصحاب نیز جریان ندارد. چرا که موضوع حکم تغییر کرده و مفهوم خمر بر این ماده صادق نیست. در حالی که بقای موضوع از ارکان استصحاب می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ۱۲).

۳-۴- مسکرات خالص و مخلوط

ممکن است گمان شود که اگر مسکرات با مایع یا با چیز دیگری مخلوط و سپس مصرف شوند، به دلیل اینکه غلظت الکل مسکر، کم یا ناچیز شده است یا به دلیل اینکه مقدار مسکر در آن ماده مصرفی، کم می‌باشد یا به این دلیل که ممکن است عنوان مسکر بر آن صدق نکند، حرمت و یا حداقل، مجازاتی برای این نوع مصرف، وجود نداشته باشد. همین امر باعث شده است که مسکرات را در یک تقسیم‌بندی به مسکرات خالص و مسکرات مخلوط، طبقه‌بندی کنیم.

مسکر خالص، مسکری است که غیر از مواد ضروری جهت ساختن آن، مواد افزودنی نداشته باشد. خواه مسکر مایع باشد و خواه مسکر جامد. اما اگر مسکر خالص را به چیز دیگری که از مقوله مسکرات نیست، مانند آب یا آب‌میوه و ... مخلوط نماییم، مسکر مخلوط یا ناخالص به دست می‌آید. مصرف مسکر خالص، بدون هیچ اختلافی، حرام و موجب حد می‌باشد. اما در خصوص مسکرات مخلوط باید گفت که گاهی در اثر مخلوط کردن، مسکر از مسکر بودن و قابلیت مست‌کنندگی داشتن، خارج نمی‌شود. اما گاهی به سبب مخلوط شدن، مسکر از مسکر بودن خارج می‌شود و دیگر عنوان مسکر بر آن صدق نمی‌کند.

در اینکه مخلوط کردن، نمی‌تواند حرمت مصرف و مجازات مسکرات را از بین ببرد، بین فقها اختلافی نیست اما برای اینکه بتوانیم مجازات حد را در صورت مصرف مسکر مخلوط، اجرا کنیم، لازم است که مخلوط شدن مسکر، آن را از مسکر بودن خارج نکند والا اگر در اثر مخلوط شدن، از مسکر بودن خارج شود و دیگر قابلیت مست‌کنندگی نداشته باشد، نمی‌توان مجازات حد را اجرا کرد. زیرا ملاک ثبوت حد، مصرف چیزی است که شأن و قابلیت مست کردن را داشته باشد. به عبارت دیگر، در صورت مصرف زیاد آن، مستی تحقق یابد و این مطلب منافاتی با ثبوت حد در صورت مصرف حتی یک قطره از مسکر، ندارد.

در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی تأکید شده است که مصرف مسکر مخلوط در صورتی موجب حد می‌شود که آن را از مسکر بودن خارج نکند. این تأکید نشان می‌دهد که آنچه اهمیت دارد قابلیت مست‌کنندگی است هرچند فعلاً مست نکند، مانند اینکه مزاج مصرف‌کننده به گونه‌ای باشد که مست نشود. بنابراین اگر مسکری، به هر شکل مخلوط شود، مادامی که قابلیت مست‌کنندگی خود را از دست نداده است، مصرف آن حرام و موجب حد است. لذا در اینجا مسکر بودن ملاک است و خارج شدن مسکر

از شکل ظاهری و تغییر ماهیت آن ملاک نیست^۱ مانند آنکه مسکر در داخل آب ریخته شود به گونه‌ای که رنگ و بو و طعم خود را از دست بدهد. بنابراین آنچه موجب حد است، مصرف چیزی است که قابلیت مست‌کنندگی داشته باشد و به عبارت دیگر مصرف زیاد آن موجب تحقق حالت مستی می‌شود، خواه آن چیز قابل تشخیص و شناسایی باشد و خواه چنین نباشد.

۵- مصادیق مسکر

مسکرات با توجه نوع فرآوری آن‌ها به طبیعی و مصنوعی تقسیم‌بندی می‌شوند:

۵-۱- مسکرات طبیعی

- خمر: در عرف عامه، به هر آب مایه سُکرآوری که از انگور، یا دیگر میوه‌ها و دانه‌ها، گرفته شده باشد، خمر گفته می‌شود.
- نیبذ: شرابی که از انگور و یا خرما گرفته می‌شود، نیبذ می‌گویند.
- بتع: نیبذ عسل
- مرز: نیبذ جو
- فقاع (آب جو): نوشابه‌هایی که از کشمش، گندم یا جز آن گرفته و در عرف به آن فقاع گفته می‌شود.
- الکَل: مایعی است فرار دارای طعم تند و سوزان که بر دو قسم است: یکی الکَل اتیلیک که در تمام نوشابه‌های خمیری موجود است و از انگور یا کشمش گرفته می‌شود.

^۱ در خصوص حکم مصرف مسکرات مخلوط طبق نظر اهل سنت نیز باید گفت که بنا بر دیدگاه مذاهب شافعی و حنبلی و مالکی که قائل به تفکیک میان خمر و مسکرات مایع نیستند و همه آن‌ها را خمر می‌دانند و تبع آن مصرف کم یا زیاد آن را حرام و موجب حد می‌دانند، در صورت مخلوط کردن آن با مایع یا با چیزی دیگر، به شرط اینکه قابلیت مست‌کنندگی آن را از بین نرود و از مسکر بودن خارج نشود و به عبارت دیگر، عین خمر یا مسکرات باقی باشد، همچنان مصرف آن حرام و موجب حد خواهد شد (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ۴۲).

دیگری متیلیک است که از تقطیر چوب به دست می‌آید و آن را عرق چوب یا الکل صنعتی هم می‌گویند.

۲-۵- مسکرات مصنوعی

انواع ترکیبات شیمیایی و صنعتی و فرآورده‌های حاصل از آن‌ها که مصرف آن‌ها موجب تغییرات کیفی و روانی در بدن می‌شود و دارای آثار بلندمدت کوتاه‌مدت هستند که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد.

- **مواد مخدر:** هر مواد خام یا ساخته‌شده از مواد صنعتی که دارای عناصر تحریک‌کننده یا تسکین‌دهنده که در غیر موارد طبی یا صنعتی بکار برده شود و استعمال این مواد شخص را به مداومت و عملی شدن و معتاد شدن بکشاند و ضررهایش بالای افراد اجتماع چه از نگاه جسمی یا روحی و یا اجتماعی ظاهر گردد مواد مخدر گفته می‌شود. برخی مصنوعی و برخی نیمه مصنوعی هستند که شامل مواد افیونی و شبه افیونی می‌باشد مانند تریاک، هروئین، مرفین و کدئین ... (باصری، ۱۳۸۴، ۱۳ و ۲۶).

- **توهم‌زها:** منظور موادی طبیعی یا مصنوعی هستند که مقلد سایکوز یا جنون بوده و اختلال روان‌پریشی ایجاد کرده، بدین دلیل سایکودلیک یا سایکومیمتیک نامیده می‌شود و علاوه بر ایجاد توهمات تماس فرد را با واقعیات قطع کرده و موجب بسط و گسترش هوشیاری می‌شوند. اختلال سندرم ادراکی توهم‌زها، بازگشت و فلاش‌بک‌هایی است که شخص مصرف‌کننده مدت‌ها پس از مصرف مواد توهم‌زا در خود احساس می‌کند. اکثر فلاش‌بک‌ها به‌صورت دوره‌های دگرگونی بینایی، توهمات هندسی، توهمات شنوایی صدای انسان و سایر اصوات، ادراک کاذب حرکت در میدان محیطی و جرقه‌های رنگی، درشت بینی، ریزبینی و احساس گسترده‌گی زمان است. مواد توهم‌زا مصنوعی و یا توهم‌زهای کلاسیک صناعی عبارت‌اند از: $lsd / mda / mdma / dmt$. مواد توهم‌زای طبیعی کلاسیک عبارت‌اند از: قارچ، مسکالین، هارمولین، ایبوگائین، dmt (آذرنوحی، ۱۳۸۹، ۸۲ و ۸۷ و ۸۸).

- **روان‌گردان‌ها:** یعنی آنچه موجب تغییر و دگرگونی روح و حالت روانی می‌گردد. مواد

روان‌گردان موادی هستند که موجب تغییر در احساس، ادراک، تفکر، قضاوت و اراده می‌شود به عبارتی ماده‌ای که دستگاه عصبی مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

• **محرک‌ها:** این گروه از مواد به‌عنوان محرک، ایجادکننده هیجان و انرژی است و موجب تحریک فعالیت سلسله مرکزی اعصاب می‌گردد. مشهورترین مواد و ترکیبات اعتیادآور این گروه آمفتامین‌ها و فرآورده‌های کوکاست (باصری، ۱۳۸۴، ۵۲).

• **سستی زا:** شامل آن گروه مواد و داروهایی است که تضعیف‌کننده فعالیت سلسله اعصاب مرکزی می‌گردد و در مصرف‌کننده ایجاد آرامش می‌نماید. باریتوریت‌ها که عموماً به‌عنوان قرص‌های خواب‌آور مشهورند باعث سست شدن سلسله اعصاب می‌شوند. باریتوریت‌ها به‌صورت مصنوعی ساخته می‌شوند مانند: پنتوباریتال، سدیم آموباریتال، سدیم سکوباریتال، سدیم آموباریتال و ... (همان، ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۶۸).

۶- لزوم یا عدم لزوم تحقق حالت مستی و نوع مسکر

منظور از حالت مستی، کیفیت مخصوصی است که تحت تأثیر مواد مسکر ایجادشده و قدرت ارزیابی و تشخیص سود و زیان را از انسان سلب کرده، موجب اختلال تام یا نسبی اراده می‌گردد، به‌طوری‌که در این وضعیت که با سرور و شادمانی همراه است، فرد نظم کلام خود را از دست داده و آنچه را که در حالت عادی قادر به آن نیست بیان کرده، احساس قدرت و نیرومندی می‌کند (مؤمنی گوجانی، ۱۳۸۸، ۷).

انسان پس از مصرف مسکرات، در حالتی قرار می‌گیرد که از منظر عرف قدرت تشخیص امور و کنترل خود را ندارد و به این خاطر ممکن است دست به ارتکاب برخی جنایات بزند و این در حقیقت همان حالتی است که از آن به مستی تعبیر می‌شود. بنا بر دیدگاه مذهب حنفیه سکران یا مستی عبارت است از تشخیص ندادن کم یا زیاد سخن و تشخیص ندادن زمین و آسمان و یا تشخیص ندادن زن از مرد. بنابراین قدرت تشخیص فرد به‌طوری کلی از بین می‌رود و در حالتی قرار می‌گیرد که اشخاص را درک می‌کند. اما اوصاف و مشخصات آن‌ها را نمی‌شناسد. مذاهب مالکیه و شافعیه و حنابله و نیز ابو یوسف حنفی و محمد بن حسن حنفی نیز عقیده دارند که سکران و مستی در عرف، حالت فردی را گویند که

هدیان می‌گوید و کلامش را جابجا بیان می‌کند و خوب و بد در نزد او یکسان است. از دیدگاه فقهای امامیه، مصرف مسکرات در صورت اثبات آن، مستوجب حد شرعی است، حتی اگر موجب مستی نشود و در این رابطه فرقی بین مسکرات مایع و جامد و نیز مسکرات مایع سنتی یا خمر و مسکرات مایع غیر سنتی یا صنعتی، نمی‌باشد. علامه حلی پس از اینکه تناول مسکر را موجب حد می‌داند، می‌گوید: «منظور از مسکر، چیزی است که شأن و قابلیت مست کردن را داشته باشد، خواه موجب مستی شود و خواه چنین نشود» (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۳۴۳).

بنا بر دیدگاه فقهای امامیه، ثبوت حد مشروط بر ثبوت چیزی است که قابلیت مست‌کنندگی را داشته باشد، ولو اینکه در اثر مصرف آن، حالت مستی تحقق نیابد و در این حکم، فرقی میان مسکرات از لحاظ مایع یا جامد نیست. در این زمینه روایاتی وجود دارد که بر لزوم تحقق حالت مستی را به‌طور واضح بیان می‌کند. در روایت فضل بن شاذان، امام رضا (ع) می‌فرمایند: آنچه مقدار زیاد آن مست می‌کند، مقدار کم آن نیز حرام می‌باشد.^۱

طبق این روایت، مسکراتی که در صورت مصرف زیاد آن‌ها، مستی و اسکار حاصل می‌شود، اگر به‌صورت کم نیز مصرف شوند و در نتیجه مستی و اسکاری هم تحقق نیابد، همچنان حرام می‌باشند. بنابراین توضیحات، اشاره به مصرف مسکر در ادله ممنوعیت این عمل از جمله ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، به معنای مست‌کننده بودن فعلی نیست، بلکه اگر قابلیت مست کردن هم داشته باشد، مثلاً در اثر مصرف زیاد آن، حالت مستی تحقق یابد، برای ثبوت حرمت و حد شرعی، کافی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر برای تحقق این جرم، مست شدن شرط نیست و مصرف مسکر موجب حد است و فرقی نمی‌کند که موجب مستی شود یا موجب مستی نشود (فتحی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۶۱) و به‌طور کلی جنس هر مسکری حرام است و تحریم آن به مقداری که خورنده را مست کند، اختصاص ندارد، بلکه آنچه جنسش مستی آور باشد، یعنی غال باحالت مستی ایجاد کند، اگرچه برخی از مردم را به خاطر آنکه معتاد به شرب خمر شده‌اند، یا مقدار اندکی از آن را نوشیده‌اند، یا مزاجشان از حالت اعتدال خارج گشته است، نوشیدن حتی یک قطره از آن حرام و موجب است (حاجی علی، معینی فر، ۱۳۹۴، ۱۴۲).

ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز به‌تبع فقه امامیه، در این‌باره مقرر می‌کند: «مصرف مسکر ... مست

^۱ و ما اسکر کثیره و فقليله حرام.

کند یا نکند ... موجب حد است». از نظر فقهای امامیه، حد مسکرات، اختصاص به نوع خاصی از مسکرات ندارند، بلکه تمامی مسکرات اعم از جامد یا مایع، شمول ادله حرمت و مجازات حدی می‌شوند و علت این امر نیز اطلاق کلمه مسکر در روایات دلالت‌کننده بر حرمت مصرف مسکرات و ثبوت حد در اثر ارتکاب آن می‌باشد. یکی از فقها در این باره این‌گونه بیان می‌کند: «مطلق بودن یا عام بودن مسکر در برخی روایات، هم شامل موردی که مسکر، مشروب و به شکل مایع هست، می‌باشد و هم شامل موردی که مأكول و به شکل خوردنی هست» (موسی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ۵۲۷).

به عبارت دیگر مصرف نوع خاصی از مسکرات شرط نمی‌باشد، بلکه همان‌طور که در بیان گردید، آنچه ملاک ثبوت حد می‌باشد، قابلیت مست‌کنندگی داشتن ماده مصرفی می‌باشد و اینکه در روایات تنها به مسکرات مایع مانند نبیذ، نقیع، بتع و ... اشاره شده، به خاطر انحصار مسکرات در این موارد یا شبیه این موارد از نظر مایع بودن نمی‌باشد، بلکه به خاطر این بوده است که موارد مذکور، تنها مسکراتی بوده است که در عرف آن زمان موجود بوده است یا غالباً در دسترس بوده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۶۴ در این باره مقرر می‌دارد: «مصرف مسکر ... جامد باشد یا مایع ... موجب حد است»^۱.

بنابراین مذهب امامیه مصرف تمامی مسکرات، حرام و موجب حد می‌باشد. اما همان‌طور که اشاره شد برخی از اهل سنت فقط مایعات را حرام می‌دانند اما بنا بر نظر برخی دیگر، مصرف تمامی مسکرات اعم از مایع یا جامد حرام و موجب حد می‌باشد. بنابراین تمامی مذاهب اسلامی، مسکرات مایع را حرام می‌دانند، اما در خصوص برخی مصادیق مسکرات مایع، اختلاف نظر است. مانند فقاه که در خصوص مسکر بودن یا نبودن آن در نتیجه حد بودن یا نبودن آن اختلاف نظر است.

فقاه، شرابی است که از جو گرفته می‌شود، به این صورت که بر روی آن آب می‌ریزند و چند روزی به کناری گذاشته می‌شود تا اینکه غلیان کند و کف نماید و آن چیزی که غیر از جو یا از جو ولی همراه چیز

^۱ اما با وجود ادله واضح بر حرمت و موجب حد بودن مصرف همه مسکرات از جمله مسکرات جامد، بنا بر مذاهب شافعی، حد مسکر اختصاص به مسکرات مایع دارد و مسکرات جامد حتی در صورت تحقق حالت مستی، موجب حد نمی‌شود (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ۴۲). دمیاطی شافعی در این باره می‌گوید: «با لفظ شراب، مواد جامد حرام، از محدوده مسکرات موجب حد، خارج می‌شود بنابراین مصرف آن‌ها، اگرچه حرام است و ممکن است موجب مستی شود، اما موجب ثبوت حد نمی‌شود، بلکه تعزیر ثابت می‌شود» (دمیاطی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۱۷۶). همچنین از نظر برخی فقهای مذاهب اهل سنت، صرفاً مایعات سکرآور، موجب حد می‌باشد و مسکرات جامد از شمول ادله ثبوت حد خارج است (ابن عابدین، پیشین، ج ۶، ۴۵۷).

دیگر گرفته می‌شود، از مقام خارج است و تا زمانی که مست‌کننده نباشد، نه نجس می‌باشد و نه حرام، اگرچه در عرف عام^۱ و خاص^۲ به آن فقاع گویند. بنابراین به هر شرابی که از آب جو گرفته می‌شود، فقاع نمی‌گویند، بلکه به شرابی گویند که به روش خاصی از جو گرفته می‌شود (نجفی عراقی، ۱۳۸۰، ۳۹۰).

فقه‌ا امامیه بالاتفاق فقاع را مشمول احکام خمر می‌دانند و دلیل آن نیز علاوه بر اجماع فقهای امامیه (موسوی شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۹۹)، روایاتی است که فقاع را یکی از مسکرات موجب حد می‌داند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: به فقاع نزدیک نشو چراکه از انواع و هم‌خانواده خمر به حساب می‌آید (یعقوب کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ۴۲۲). تبصره ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی در این باره مقرر می‌دارد:

«خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد»^۳.

نکته‌ای که در پایان این بحث (جامد یا مایع بودن مسکرات) لازم است بیان گردد عبارت است از مصادیق مسکرات جامد، مثالی که در کتاب‌های فقهی عامه و خاصه برای مسکر جامد بیان می‌شود، بنگ و حشیش و مانند این موارد است. برخی این مواد را مسکر نمی‌دانند و معتقدند که هم از لحاظ علمی و آثار مترتب بر مصرف آن‌ها با مسکرات فرق دارند و هم از لحاظ عرفی و اینکه عرف بین مسکر و مخدر فرق می‌گذارد و هرگونه حالتی که ضد هوشیاری است را، مستی نمی‌داند (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ۳۶۷). در مقابل عده‌ای این مواد را مشمول احکام مسکرات اعم از حرمت مصرف و وجوب حد در صورت مصرف می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ۲۰۳).

۷- تسری حکم شرب خمر به مسکرات جدید

بحث را در این مورد که آیا مواد مخدر و همچنین سایر مواد مخدر و روان‌گردان می‌توانند از جمله

^۱ مقصود از عرف عام، عرفی است که اکثریت مردم با اختلاف‌زمانی و مکانی و فرهنگی و سطوح مختلف علمی در آن مشترک‌اند.

^۲ در حقوق موضوعه با توجه به تعریف برخی حقوقدانان، عرف خاص، عرف متداول در محل معین یا بین صنف و دسته معین معرفی شده طوری که عرف خاص را عرف صنفی نیز می‌گویند.

^۳ اما با وجود این، فقهای اهل سنت با اینکه روایاتی مبنی بر تحریم فقاع در اختیار دارند و سید مرتضی نیز به روایات آن‌ها اشاره کرده است (موسوی شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۴۱۹)، همگی قائل به مباح بودن مصرف آن می‌باشند (صیمیری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ۳۶۵) و علاوه بر اینکه مصرف آن را حرام نمی‌دانند، آن را نجس هم نمی‌دانند و آن را محکوم به طهارت دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۶۵).

مصادیق مسکرات باشند یا خیر و یا اینکه دارای حکمی جداگانه هستند؟ در ادامه از جنبه فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۷- دیدگاه فقها

به نظر اکثریت علما شیعه و سنی مصرف مواد مخدر و روان گردان، حرام است، زیرا فرد با مصرف این مواد، اقدام به هلاکت خود می‌کند. از آنجایی که مخدر و مصادیق جدید آن در زمان صدر اسلام شناخته شده نبود، در نتیجه در مورد آن‌ها سؤالی از ائمه معصومین (ع) نشده تا حکم خاص آن‌ها بیان شود. غالب روایات منقول از ائمه اطهار (ع) در پاسخ به سؤالاتی بوده که در آن عصر مطرح بوده است. بدین جهت باید به سراغ عموماً و اطلاقات کتاب و سنت، اصول و قواعد عمومی فقه رفت. حال به نظر می‌رسد اطلاقات کتاب، سنت و قواعد فقه عمومی بیانگر این مطلب هستند که؛ اولاً استعمال مواد مخدری که ضرر فاحش دارد حرام است، مگر اینکه ضرورت و اضطرار پزشکی اقتضا کند. ثانیاً خرید و فروش آن مواد هم باطل است مگر آنکه به قصد به‌کارگیری آن مواد در امور و منافع عقلایی حلال از قبیل ساخت دارو باشد که آن هم بایستی تحت نظارت و کنترل دقیق مسئولان دولتی صورت بگیرد. بنابراین در خصوص ادله حکم به حرمت مواد مخدر و روان گردان و سایر مسکرات می‌توان به قرآن کریم آیه ۲۹ سوره نساء^۱ و آیه ۱۹۵ سوره بقره^۲ اشاره نمود که در حقیقت این دو آیه، نگهداری و سلامت نفس را واجب قرار داده و نیز واجب کرده که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرارداد که منجر به قتل نفس می‌شود. مگر اینکه مصلحت راجحی وجود داشته باشد، مانند جهاد در راه خدا. و مقصود از نهی در آیات فوق، ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان می‌شود. به عبارتی از نظر اسلام تمام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و تمام تصرفاتی که منجر به ضرر و زیان خود و یا دیگران نباشد حلال و نقطه مقابل آن حرام است (باصری، ۱۳۸۹، ۴۸).

از ادله دیگر حرمت مصرف می‌توان به روایات اشاره نمود که در این خصوص چنین آمده: در زمان شارع مواد مخدر به این معنا وجود نداشت به همین دلیل ما ادله نقلی خاصی در این مورد نداریم؛ اما به دلایل

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

^۲ وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

حسی و تجربی زیان‌ها و مفسد مواد مخدر و روان‌گردان برای ما محرز شده است. پس در اینجا با عقل و علم خود به یک ملاک یعنی مفسده لازم الاحتراز دست‌یافته‌ایم. حال ما بر اساس این حکم می‌دانیم چیزی که برای بشر ضرر و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است، پس حکم به اعتیاد مواد مخدر از قبیل تریاک حرام است (اسعدی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۸۴). روایاتی در کتب روایی وجود دارد که بیانگر این نکته هستند که علت حرمت مسکرات آثار سوء و زیان‌بار آن‌هاست که می‌توان برای اثبات حرمت مواد مخدر به آن‌ها تمسک نمود. از جمله این روایات: «خداوند خمر را به خاطر نام آن حرام نکرده، بلکه آن را به علت آثار و نتایجی که دارد حرام نموده است، در نتیجه هر چیزی که دارای آثار خمر باشد حکم خمر را دارد و حرام است» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ح ۳۲۰۷۸، ۳۴۳). این روایات نشان می‌دهد که خداوند خمر را به خاطر مفسد و ضرراتی که دارد حرام کرده، حال آنکه مواد مخدر ضرر و زیانش بیش از خمر می‌باشد، پس به طریق اولی باید حرام باشد.

از ادله دیگر می‌توان به دلیل عقلی اشاره نمود در عقل نظری مستقیماً نمی‌توان به حکم شارع در خصوص یک مسئله پی برد، چون حکم شارع و ملاکات احکام تنها از طریق عملی قابل دریافت است. لذا عقل نظری باید به ملازمه عقلی یک حکم که عقلاً و شرعاً ثابت است اشاره کند، مثل حکم عقل به ملازم بودن وجوب شی با وجوب مقدمه آن و عقل عملی مستقیماً نمی‌تواند حکم به جواز یا ترک کند زیرا عقل فی‌نفسه، تنها شایسته بودن و نبودن کاری را ادراک می‌کند و آن مسئله حسن و قبح عقلی است؛ یعنی اموری که عقلاً از آن جهت که عاقل‌اند در آن اتفاق نظر دارند که در این مورد عقل نظری در پی آن می‌آید و حکم به ملازمه عقل عملی و حکم شارع می‌شود که در این صورت ما قطع به حکم شارع پیدا می‌کنیم (رضایی نسب، ۱۳۸۸، ۲۰). حال به حکم عقل می‌توان برهان منطقی در این خصوص تشکیل داد:

مقدمه اول: مصرف مواد مخدر، ضرر و اضرار، تهلکه و قتل تدریجی است. (صغری)

مقدمه دوم: ضرر و اضرار، تهلکه و قتل تدریجی نفس در اسلام حرام است. (کبری)

نتیجه: مصرف مواد مخدر در اسلام حرام است (اسعدی، ۱۳۸۲، ۱۳۴).

بعد از بررسی ادله پیشین، از دیگر دلایل حرمت مواد مخدر و روان‌گردان قاعده لا ضرر و لا اضرار می‌باشد. یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود، قاعده (لا ضرر) است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد

مهم‌ترین دلیل حرمت مواد مخدر همین قاعده هست، به‌خصوص با توجه به اینکه اولاً ضرر و زیان این مواد فاحش بوده است و ثانیاً آثار آن به خود مصرف‌کننده مواد منحصر نمی‌شود بلکه خانواده و اطرافیان فرد معتاد و کل جامعه بشری از این بابت متحمل خسارت و زیان‌های شدید و غیرقابل جبرانی می‌شوند. خود فرد معتاد هم قدرت تعقل و ادراک و تفکرش را از دست می‌دهد و تبدیل به موجودی بی‌روح و بی‌احساس می‌شود که نسبت به همه امور بی‌تفاوت است و پوچ‌انگاری بر همه رفتارهای او حاکم می‌گردد. شاید بتوان گفت عمده‌ترین دلیل برای بحث موردنظر قبح اضرار به نفس و به غیر می‌باشد. در فتاوی بسیاری از فقها از جمله شیخ طوسی، ابن ادریس، محقق حلی، شهید اول و شیخ انصاری حکم آنان به وجوب دفع ضرر و حرمت اضرار به نفس، به استناد همان حکم عقلی است که در مبحث فوق ذکر شد (رضایی نسب، ۱۳۸۸، ۲۰ و ۲۱).

آمار دقیقی از انواع مواد مخدر و روان‌گردان، در دسترس نیست؛ اما تقریباً هر ماده‌ای که بتوان ذیل تعریف مخدرات بگنجد را می‌توان جز آن دانست. مواردی مانند حشیش، افیون، بنگ، کوکائین، تریاک، گراس و امثال آن می‌تواند جز این دسته باشد. در آثار فقهای سلفی حرفی از این مواد به میان نیامده و طبیعتاً حکمی درباره آن‌ها در شریعت وجود ندارد، مگر در منابع محدودی که به بعد از قرن ۶ هجری برمی‌گردد؛ چراکه تا بعد از حکومت تاتارها این مواد ناشناخته بودند (فتحی بهنسی، ۱۴۱۲، ق، ج ۲، ۳۸۲). بنابراین لازم است با توجه به مطالب بیان‌شده و برای درک بهتر به تعریف این مواد و نیز بیان اقسام آن پرداخته شود و سپس رابطه این مواد با مسکرات بیان می‌گردد:

موارد روان‌گردان: منظور از مواد روان‌گردان، هر ماده‌ای اعم از طبیعی یا صنعتی (دارویی، شیمیایی) است که سیستم اعصاب مرکزی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده و استعمال آن ایجاد وابستگی می‌کند (عظیمی، اصغری، ۱۳۹۲، ۶۳).

مواد مخدر: خدر که معنای پوشاندن، ضعیف کردن، سست کردن می‌باشد و که همه این صفات در شخص معتاد به مواد مخدر و هر نشئه‌کننده دیگر چه مواد جامد و چه مایع باشد، وجود دارد. اما از نظر شرعی و اصطلاحی به انواع فرآورده‌های حاصل از گیاهان خشخاش، شاهدانه، کوکا و ترکیبات شیمیایی مشابه که مصرف آن‌ها موجب اعتیاد می‌گردد، مواد مخدر می‌گویند. به‌عبارت‌دیگر منظور از مواد مخدر، تمام انواع موادی است که مخدر، محرک، توهم‌زا و سستی آور بوده و آثار جسمی و روحی منهدم‌کننده را در شرع به دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف موجب اعتیاد می‌شود که عمدتاً تریاک و مشتقات

آن، حشیش و ماری‌جوانا و مشتقات آن و کوکائین، همچنین مواد مخدر مصنوعی را شامل می‌شود (سلمان پور، ۱۳۸۲، ۱۲۲).

فقه‌های مذاهب اسلامی، درباره مواد مخدر اختلاف نظر دارند که آیا این مواد، موادی مسکر و نشئه‌آور هستند تا به مسکرات ملحق گردند و یا اینکه این مواد تنها مخدرند و به مسکرات ملحق نمی‌شوند؟ در این رابطه دو دیدگاه وجود دارد: بعضی از علما و فقه‌های مذاهب اسلامی معتقدند که مواد مخدر و روان‌گردان، مسکر و نشئه‌آور هستند. بنابراین انواعی از خمر محسوب می‌گردند. پس تمامی احکامی که بر شارب خمر اجرا می‌شود، بر استعمال کنندگان مواد مخدر نیز لازم‌الاجرا می‌باشد. زیرا در علت حرمت و ثبوت حد که اسکار و نشئه‌آوری است باهم اشتراک دارند (عظیمی، ۱۳۹۲، ۶۸).

گروهی از فقه‌های مذهب امامیه و همچنین مذاهب اهل سنت، تابع این دیدگاه هستند از جمله این فقها شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ۲۰۳) و ابن فهد (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۷۹)، محمدجواد مغنیه (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ۲۸)، فتحی بهنسی (فتحی بهنسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۳۹۲، به نقل از عظیمی، اصغری، ۱۳۹۲، ۷۲)، ابن تیمیه (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ۵۵) و ابن قیم (همان) که تمامی مسکرات اعم از مایع یا جامد و چه به صورت عصاره و چه به صورت طبخ شده و نیز حشیش، مشمول عنوان خمر قرار می‌گیرند. در مقابل این دیدگاه، در بین فقه‌های امامیه و اهل سنت، عده‌ای طرفدار هستند که مواد مخدر و روان‌گردان، ملحق به مسکرات نیستند و فقط مخدر هستند و مسکر و نشئه‌آور نیستند و می‌توان مصرف‌کننده آن را به تعزیر محکوم کرد. از فقه‌های معاصر آیت‌الله اردبیلی (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ۵۶۹ و ۵۷۰) و از فقه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت مانند ابن عابدین حنفی (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ۴۵۸) قائل بر این هستند که خوردن و مصرف این مواد حتی اگر باعث مستی شود، موجب حد نمی‌شود بلکه تعزیر ثابت می‌شود.

همان‌طور که در مبحث مفهوم شناسی مسکرات بیان گردید که مسکر از ماده سکر گرفته شده است و سکر حالت ضد هوشیاری را گویند. یا اینکه سکر حالتی است که بر انسان عارض می‌گردد و بین انسان و عقل او فاصله می‌اندازد. بنابراین مسکر یعنی چیزی که هوشیاری انسان را از بین می‌برد و بین او و عقلش فاصله می‌اندازد و موجب اختلال در عملکرد عقل و بازداشتن آن از ادراک معقولات می‌گردد.

در فقه نیز به چیزی که حالت مستی و بی‌حواسی ایجاد نماید، مسکر گفته می‌شود. ولی آنچه اهمیت دارد، تشخیص خارجی مسکرات یا مسکر بودن چیزی می‌باشد. صاحب جواهر در این باره می‌گوید:

«اگرچه در خصوص تشخیص ویژگی‌های مسکر مطالبی مطرح شده از جمله اینکه چیزی است که باعث اختلال کلام منظوم می‌شود و موجب آن می‌شود که شخص اسرار درونی خویش را افشاء نماید و یا آنکه چیزی است که عقل انسان را زایل می‌کند و باعث سرور و قوت نفس در اکثر تناول کنندگان می‌شود، اما تحقیق در مطلب آن است که مفهوم مسکر همانند سایر الفاظ از طریق عرف فهمیده می‌شود و برای تشخیص مسکر بودن چیزی، باید به عرف جامعه رجوع کرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ۴۴۹).

بنابراین لازم است که تشخیص مسکر بودن چیزی به عرف واگذار شود، اما در خصوص اینکه از نظر عرف، مفهوم مست‌کنندگی چیست و اینکه چه چیزی مسکر محسوب می‌شود باید گفت هر آنچه قابلیت مست‌کنندگی داشته باشد، مسکر است هرچند فعلاً مست نکند (زراعت، ۱۳۹۴، ۵۳). در این باره شهید اول می‌گوید: آنچه جنس آن سکرآور است حتی قطره‌ای از آن نیز حرام است (عاملی، ۱۴۱۰ق، ۲۶۰). بنابراین سکرآور بودن چیزی و قابلیت مست‌کنندگی داشتن آن، از نظر عرف کافی است تا اینکه حکم به مسکر بودن چیزی کند اگرچه به هر دلیلی به خاطر مصرف آن، مستی ایجاد نشود.

۲-۷- دیدگاه علم حقوق

قابل ذکر است تفاوت رأیی که در میان فقها بیان شد، در بین اساتید و مؤلفان کتب حقوقی نیز دیده می‌شود؛ از یک سو اساتیدی همچون دکتر گلدوزیان و دکتر نوبهار، قائل به این هستند حکم مسئولیت فردی که عقلش با استفاده از مواد مخدر زایل شده، غیر از حکم مستی است و به آن ملحق نمی‌شود. از سوی دیگر اساتیدی همچون دکتر اردبیلی و سید مهدی حجتی قائل به این الحاق هستند. دکتر گلدوزیان، ذیل ماده ۲۲۴ سابق، با استناد به رأی شماره ۱۵۸۴ - ۱۳۷۱/۰۹/۰۸ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور، بیان می‌دارد: در اینکه آیا ماده فقط شامل مستی بر اثر مسلوب‌الارادگی است، یا شامل سایر مواد زایل کننده عقل هم می‌شود، با توجه به تفسیر مضیق و ممنوعیت قیاس در این خصوص فرمودند: این ماده فقط منحصر به مستی است و شامل سایر موارد نمی‌شود. همچنین ذیل ماده ۵۳ قانون سابق چنین بیان می‌کند متن این ماده فقط اختصاص به شرب خمر دارد و شامل مسلوب‌الاختیار شدن بر اثر سایر مواد روان گردان نمی‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ۷۹ و ۱۴۷). اما قانون‌گذار در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، به دلیل وحدت ملاک و مقتضی بین مواد مخدر و روان گردان با مسکرات، قائل به یکی بودن حکم

مشروبات الکلی با سایر مواردی که عقل را زایل می‌کند، شده است. این امر در ماده ۱۵۴ و ۳۰۷ تصریح شده است (کارخیزان، ۱۳۹۲، ج ۲، ۲۵۲؛ گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، ۱۳۹۲، ۲۰۹ و ۲۰۷).

نکاتی که در خصوص ماده ۱۵۴ قابل تأمل است:

الف) برخلاف ماده ۵۳ ق.م.ا. سابق که مستی حاصل از شرب مسکرات را بیان نموده است، قانون فعلی ایران از این امر بر حذر مانده و موارد دیگری همچون مصرف مواد مخدر و روان‌گردان را به صورت تمثیلی بیان کرده است.

ب) به عکس ماده ۵۳ ق.م.ا. سابق که ارتکاب جرم در حالت خواب و بیهوشی، اصل بر عدم مجازات است؛ در این ماده، مستی موجب عدم مسئولیت نیست مگر آنکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم، به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است.

پ) مصرف مواد مخدر جهت ارتکاب جرم، یا اینکه متهم بداند که در صورت مصرف مواد مرتکب جرمی خواهد شد، هم به مجازات جرم ارتكابی، هم حسب مورد به مجازات حدی یا تعزیری شرب مسکر و مصرف مواد مخدر محکوم خواهد شد.

ت) مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اجباری که با مسلوب الاختیاری منتهی به جرم شود، هیچ مجازاتی را برای فرد مست به دنبال نخواهد داشت (مفهوم مخالف ماده ۱۵۴) (همان، ۲۰۹).

در ماده ۳۰۷ جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی را عمدی محسوب کرده:

الف) شخص خود را قبلاً برای ارتکاب جنایت مست کرده باشد.

ب) شخص باینکه قصد مستقیم به ارتکاب جنایت در حالت مستی را نداشته، ولی می‌دانسته است که مستی و عدم تعادل روانی نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت می‌شود (همان، ۳۰۷).

۳-۷- جمع بین دیدگاه‌ها

با توجه به بررسی آرای فقها و آنچه قانون مجازات آمده در خصوص اینکه آیا مواد مخدر و روان‌گردان جز مسکرات محسوب می‌شوند یا خیر؟ در این باره دو قول وجود دارد:

عده‌ای شارب مواد مخدر را در حکم مسکرات و مستحق حد شرب خمر می‌دانند و عده‌ای قائل به تعزیر هستند. حال با توجه به بررسی و مقایسه ادله مذکور در بین فقها در خصوص این موضوع، با توجه به

ضرر و زیان‌های ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان، دیدگاه کسانی که مواد مخدر و روان‌گردان را جز مسکرات محسوب می‌کنند، راجح هست، چون گاهی ضرر و زیان‌های ناشی از استعمال مواد مخدر بیش از مسکرات بوده و باعث بیماری‌های صعب‌العلاج شده و درنهایت منجر به فساد جامعه می‌شود. حال اگر در خصوص این احکام قائل به مجازات تعزیر شویم، ممکن است قاضی در برخورد با این مسائل مسامحه کند یا به گونه‌ای قائل به تخفیف یا تشدید مجازات شود که این به دور از عدالت هست.

۸- شیوه‌های مصرف مسکرات

به دودسته متعارف و غیرمتعارف تقسیم می‌شود که در ذیل به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

۸-۱- شیوه‌های متعارف

که به متعارف‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

۸-۱-۱- خوردن و نوشیدن

خوردن در منابع فقهی به معنای تناول است یعنی مسکر وارد بدن شود که شامل نوشیدن هم می‌شود. در این زمینه برخی از فقها بیان نموده‌اند: که برای مجازات در خصوص شرب مسکر، خوردن را شرط کردیم که عمومیت دارد و هم شامل آشامیدن، هم خورشت قراردادن و هم مخلوط کردن با غذا و داروهای دیگر را نیز شامل می‌شود (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۲۷۳؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ۴۳۲). مسکر ممکن است از راه حلق وارد بدن شود یا از راه‌های دیگری همچون سرنگ تزریقات، چرب کردن و پانسمان وارد شود. در صورت اول ابهامی در حرمت آن وجود ندارد اما وارد شدن آن از راه تزریقات و پانسمان و نظایر آن محل اختلاف است.

معنای عرفی تناول خوردن و استعمال ماده خوردنی از راه حلق و مری و معده است؛ بنابراین استعمال آن از راه‌های دیگر از نظر فقهی جزء موارد شبهه خواهد بود که ساقط کننده حد است و از نظر حقوقی با تفسیر مضیق قانون به نفع متهم سازگار نیست؛ زیرا کلمه خوردن در صورتی شامل تریق و نظایر آن‌ها می‌شود که تفسیر موسعی از این واژه به عمل آید. به‌رحال قانون‌گذار جدید با تبدیل واژه (خوردن) به (مصرف) دامنه مصرف مسکرات را توسعه داده است (زراعت، ۱۳۹۳، ج ۲، ۵۶ و ۵۷). بر همین مبنا یکی

از فقها درباره مدخلیت نداشتن شرب این چنین می‌نویسد: در ثبوت حد، بین نوشیدن و داخل کردن آن در شکم تفاوتی نیست، هر چند بر آن، عنوان نوشیدن صدق نکند، (موسوی خویی، ۱۳۹۴، ج ۱، ۳۷۴).

۲-۸- شیوه‌های غیرمتعارف

- استعمال مسکر به شکل‌های زیر قابل تصور است:
- اکتحال، اطلاع، تضمید
- استشمام و استنشاق بخار و دود شراب
- تزریق مسکر
- سعوط
- حقنه کردن
- مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر
- خمیر کردن آرد با شراب
- وارد کردن شراب به دهان به طوری که به حلق نرسد مثل مضمضه کردن
- نوشیدن شراب و یا خوردن شرابی که با یک ماده غذایی دیگر مخلوط شده است.
- آرد با شراب خمیر کردن و خوردن نان پخته شده از آن

۱-۲-۸- مصرف مسکر از طریق اکتحال، اطلاع، تضمید

اکتحال در لغت به معنای قرار دادن چیزی بر روی چشم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ۵۸۴) و یا هر چیز مفیدی که برای درمان روی چشم گذاشته می‌شود. اطلاع در لغت به معنای قطران و جز آن مالیدن بر بدن و در اصطلاح به معنای شراب بر بدن مالیدن (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ۲۷۰). تضمید در

لغت به معنای بر جراحت ضماد بستن و در اصطلاح نیز به همین معناست (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ۴۴). اکثریت قریب به اتفاق فقها معتقدند استعمال شراب به صورت اکتحال، اطلاق و تضمید شراب‌خواری محسوب نمی‌شود و حد ندارد. دلیلی که بر تأیید این مطلب در کتب فقهی بیان شده، این است که در موارد فوق، شرب و تناول صدق نمی‌کند بنابراین نمی‌تواند مصداق شرب خمر محسوب شود. ضمن اینکه خبر یا سیره عملی مبنی بر اینکه در این موارد حد جاری شده باشد، وجود ندارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۰، ۵۵۶). مانند این روایت، معاویه بن عمار می‌گوید: از امام صادق (ع) سؤال نمودم: آیا سرمه کشیدن با سرمه‌ای که با شراب عجین شده است، جایز است؟ حضرت فرمودند: خداوند عزوجل در حرام شفا قرار نداده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۵، ح ۳۲۰۸۵، ۳۴۵).

۲-۸- مصرف مسکر از طریق استنشام و استنشاق (تدخین)

تدخین به معنی دود کردن و دودآگین ساختن چیزی را می‌گویند. لذا تدخین بنا بر معنای عرفی آن، شیوه‌ای است که دود، از طریق دهان و به شکل مکیدن، وارد دهان می‌شود. اما اگر دود و یا بخار، از طریق تنفس وارد بدن و ریه‌ها شود، اصطلاحاً به آن، استنشاق می‌گویند. استنشاق بنابراین معنا عبارت است از داخل کردن هوا یا گاز یا ماده دارویی به درون ریه از طریق تنفس و تنفس هم معمولاً از طریق بینی صورت می‌گیرد (علی زاده، ۱۳۸۹، ۱۲۰).

گاهی در آزمایشگاه‌های شیمی، مقداری از الکل بر اثر حرارت بخار می‌شود و در فضا پراکنده می‌گردد، حال استنشام این بخارات از نظر شرعی چگونه است؟ این مسئله از نظر حرمت و نجاست قابل بررسی است: از لحاظ نجاست، به نظر برخی از فقیهان، وقتی شراب با هر مایع نجس دیگر تبدیل به بخار شود، موضوع تغییر می‌کند و به اصطلاح استحاله رخ می‌دهد و به نظر برخی دیگر بخار از جنس گاز است و در ارتکاز عرف مسلمانان، اصولاً گاز قابلیت حکم به نجاست را ندارد (خویی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ۱۰۱).

اما در مورد استنشام و استنشاق بخارات و دود حاصل از شراب و یا استعمال اسپری‌های محتوی الکل، هیچ‌یک از فقهای فریقین این نوع استعمال را شراب‌خواری ندانسته‌اند و معتقدند این نوع استعمال، اگرچه حرام است ولی دلیل بر اینکه موجب حد شود، وجود ندارد (کریمی چهارمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ۳۰۵). البته صاحب جواهر، استعمال شراب در قلیان همراه با توتون و تنباکو و استنشام دود یا بخار حاصل از آن را از مصادیق تناول محسوب کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۱، ۴۵۰). به عبارتی به نظر نگارنده

این اختلاف عقیده به خاطر مقایسه نوشیدن و خوردن با تدخین و استنشاق، به دقت عقلی بوده است. لذا از آنجا که مسکر از طریق حلق وارد شکم و ریه‌ها می‌شود، می‌توان به لحاظ عرفی، آن را مصداق تناول محسوب کرد و به همین دلیل، مصرف مسکرات به شکل تدخین یا استنشاق، می‌تواند موجب ثبوت حد گردد.

تدخین به سه روش صورت می‌پذیرد (شعار، ۱۳۷۴، ۱۵):

الف) سیگار، سیگارت و سیگار برگ: که یکی از اشکال تنباکوی آماده‌شده برای تدخین است که به دو روش مستقیم و معکوس استعمال می‌شود.

ب) چپق و پیپ: دود ناشی از سوختن تنباکو که به وسیله یک لوله دود وارد دهان می‌شود.

پ) قلیان، وسیله تدخینی است که به وسیله یک لوله که در ظرف آب قرار گرفته تا دود با عبور از آب از سوختن تنباکو به دهان مصرف‌کننده وارد می‌شود.

درباره حکم شرعی مصرف مسکر به این روش‌ها، برخی فقها اساساً به این طریقه مصرف اشاره‌ای نکرده‌اند. در مقابل برخی مثل صاحب جواهر، همان‌طور که اشاره شد این شیوه مصرف را از مصادیق تناول دانسته و حکم به حرمت و برخورداری مرتکب از حد شرعی را استنباط کرده‌اند. البته برخی این روش را شیوه متداول مصرف مسکر می‌دانند (اصغری، صالحی مقدم، ۱۳۹۶، ۱۲).

اما امروزه با پیشرفت جوامع انواع مختلفی از مواد شیمیایی فرار که ناشی از بخارات دارای خواص روان‌گردان از خود متصاعد می‌کنند، بسیاری از مصرف‌کننده‌ها رفتارهای خطرناک و ستیزه‌جویانه از خود نشان می‌دهند. عوارض جانبی سوءمصرف عبارت‌اند از، از بین رفتن تعادل. دود استنشاقی که مورد سوءمصرف قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: آمیل نیتريت، بوئیل نیتريت. مواد دیگری که در این گروه قرار می‌گیرند یک نوع ستییا مسمومیت می‌آورند که استعمال طولانی آن‌ها منجر به اختلالات روانی خواهد شد. در مراحل اولیه سرگیجه که همراه با تار شدن قوه بینایی، شخص استعمال‌کننده گیج و مست به نظر می‌رسد و هنگامی که بهبود می‌یابد از آنچه اتفاق افتاده و زمانی که تحت تأثیر این مواد شیمیایی بوده خاطره‌ای ندارد. مایعات تبخیر شونده و محلول‌ها، روان را مختل و حافظه را تضعیف و مصرف‌کننده به حالت هیستری، توهم بینایی دارد و رفتار غیرعادی و ضداجتماعی دارد که به دلیل عدم تمرکز فکری، تلقین‌پذیری، اختلال حواس از علائم بارز اعتیاد به این نوع از روش مصرف دارد.

شاید در عصر حاضر این سؤال پیش آید که مصرف مصادیق جدید مسکرات با ترکیب تنباکو یا سیگار و

یا هر چیز دیگری به‌روش‌های اشاره در بالا جایز است و استنشاق دود آن‌ها اشکالی ندارد؟ در پاسخ باید گفته شود که اگر مصرف مسکرات جدید با تنباکو از نظر عرف، استعمال مسکر محسوب نشود و باعث مستی و وارد شدن ضرر قابل ملاحظه‌ای نگردد اشکال ندارد، هر چند احوط ترک آن است اما اگر چنانچه تدخین آن‌ها (مسکر) از مصادیق تناول باشد می‌تواند حد شرعی داشته باشد (همان). که این نکته در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی بدین صورت بیان شده است که مصرف مسکر ... تدخین آن کم باشد یا زیاد، ... خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

۳-۲-۸- مصرف مسکر از طریق تزریق

تزریق در لغت به معنای چیزی در عضله و رگ وارد کردن است و در اصطلاح نیز به همین معناست (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ۲۵۲).

تزریق به لحاظ محل تزریق، به سه قسم تزریق ماهیچه‌ای و تزریق وریدی و تزریق زیر جلدی تقسیم می‌شود. از این سه نوع تزریق، تزریق زیر جلدی بیشتر مورد نظر فقها است به دلیل اینکه تزریق زیر جلدی شیوه‌ای می‌باشد که جهت تزریق بسیاری از داروها از جمله انسولین، مورفین و هروئین و نیز به‌عنوان روشی مخالف با تزریق داخل وریدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بافت زیر جلدی، یک بافت همبند غنی از بافت چربی با خون‌رسانی کم بوده و به همین دلیل معمولاً سرعت جذب دارو در آن طولانی‌تر از عضله است.^۱

برخی از فقها این روش را به‌عنوان یکی از شیوه‌های مصرف مسکرات محسوب می‌کنند و آن را موجب ثبوت حد می‌دانند. در مورد تزریق مسکر و حد داشتن یا نداشتن آن دو دیدگاه وجود دارد که مبتنی بر این است که آیا مست‌کننده بودن موجب حد است یا نوشیدن؟

دیدگاه اول: تزریق شراب به رگ‌ها نوعی شراب‌خواری و موجب حد است. دلیل این دیدگاه، روایتی است از امام صادق (ع) که پیامبر (ص) فرموده است: کسی که مقدار کمی از آنچه زیادش مست‌کننده است را وارد رگ‌هایش کند، خداوند آن رگ‌ها را به سیصد و شصت نوع مجازات عذاب می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، باب من الاشربه المحرمه، ح ۶).

استدلال‌کننده از این روایت چنین برداشت کرده است که در زمان پیامبر (ص)، با وسایلی می‌توانسته‌اند

^۱ <https://fa.wikipedia.org>

مایعات از جمله شراب را وارد رگ‌ها کنند. ولی به نظر می‌رسد که چنین نبوده است، بلکه منظور از وارد کردن شراب به رگ‌ها در روایت، وارد کردن آن از طریق نوشیدن و تغذیه رگ‌ها است، نه اینکه مستقیماً با تزریق وارد شده باشد (کریمی چهارمی، ۱۴۱۴ ق، ۳۲۱). در این زمینه آیت‌الله گلپایگانی در مورد تزریق مایعی که حاوی مقداری الکل مسکر باشد می‌فرمایند: در این صورت و در حالت عدم اضطرار، تزریق این مایع در رگ‌ها، حرام و موجب حد است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ۳۲۰). این دسته از فقها، علت حکم به ثبوت حد در صورت تزریق مسکرات را عبارت از صادق بودن عنوان تناول بر تزریق می‌دانند (همان، ۳۰۵). آیت‌الله فاضل لنکرانی در این باره می‌گوید: ظاهراً اگر اسکار و مستی به سبب تزریق محقق شود، حد ثابت است، زیرا تناول مسکر که موجب ثبوت حد است، بر تزریق نیز صدق می‌کند (موحدی لنکرانی، ۱۴۲۲ ق، ۴۳۳). بر همین مبنا ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی با اشاره به این روش، مقرر می‌دارد: مصرف مسکر از قبیل ... تزریق ... موجب حد است.

دیدگاه دوم: اکثریت قریب به اتفاق فقهای فریقین، تزریق شراب را شراب‌خواری محسوب نکرده‌اند و آن را مستوجب حد نمی‌دانند.

حتی بر مبنای نظر ابوحنیفه که مست‌کننده بودن را شرط اجرای حد می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ۴۷۵)، در چنین مواردی اگرچه تزریق شراب مست‌کننده باشد ولی چون مستی از راه نوشیدن حاصل نشده است، مستوجب حد نیست (گلپایگانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۹۹). اما چون وارد شدن خمر در بدن از هر طریقی حرام است، بنابراین در صورت مستی، مجازات تعزیر را به دنبال دارد. همچنین حقوقدانان برجسته معاصر بر این اعتقادند، چنانچه در این باره یقین نباشد این مورد از موارد شبهه هست که حد را ساقط می‌کند، چراکه بر این اعتقادند بر مبنای اصل پذیرفته‌شده تفسیر به نفع متهم همین را اقتضا می‌کند.

۴-۲-۸- مصرف مسکر از طریق سعوپ (از راه بینی)

سعوپ در لغت به معنای انفیه کردن است و در اصطلاح نیز به همین معناست؛ یعنی چیزی که در بینی ریخته شود و داخل بدن برسد (عبدالرحمان، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ۲۶۹). در مورد سعوپ نیز دو دیدگاه وجود دارد:

الف) حنبلیه و بعضی از فقهای شیعه آن را شراب‌خواری و مستوجب حد دانسته‌اند (فاضل هندی،

۱۴۱۶ ریال، ج ۱۰، ۵۵۳). دلیل آن‌ها این است که انفیه کردن با شراب موجب می‌شود که شراب از طریق بینی وارد حلق یا معده شود. همین‌طور که چنین استعمالی می‌تواند روزه را باطل کند.

یکی از فقها فرموده است: اگر شراب یا آبجو را انفیه کند به‌گونه‌ای که از گلویش پایین نرود، اشکالی ندارد زیرا به آن خوردن نمی‌گویند هرچند این عمل حرام است، زیرا داخل کردن چیز نجس به دهان حرام است، ولی حد نمی‌خورد؛ اما اگر روزه را باطل کند به او حد می‌زنند (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۱۷۶).

علامه فرموده است: اگر شخصی شراب را انفیه کند، او را حد می‌زنند و دلیلشان این است که با انفیه کردن شراب یا آبجو وارد شکم او می‌شود و دیگر اینکه از سرمه کشیدن با شراب نهی شده است، حال آنکه با انفیه کردن راحت‌تر از سرمه کشیدن شراب وارد شکم او می‌شود (فاضل هندی، پیشین، ج ۱۰، ۵۶۷). همچنین این نوع استعمال باعث حالت طرب در انسان می‌شود، به علت مست‌کننده بودن، بنابراین شخص مستحق حد است (جزیری، ۱۴۱۹، ق، ۳۲).

ب) اکثریت فقهای شیعه، مالکیه، شافعیه و حنفیه، این نوع استعمال را موجب حد نمی‌دانند. دلیل آن‌ها این است که استعمال شراب به این نحو، تناول محسوب نمی‌شود چون وارد حلق نمی‌شود؛ بنابراین اگر چه این عمل حرام است ولی حد ندارد (عاملی، ۱۴۱۳، ق، ۱۴، ۴۵۸).

صاحب جواهر می‌فرماید: اگر یقین داشته باشیم که با انفیه کردن شراب وارد شکم نشده، یا وارد شدن یا نشدن آن برای ما روشن نباشد به دلیل اصل برائت (به دلیل اصل عدم) او را حد نمی‌زنند ولی تعزیر می‌کنند (چون هرگونه استفاده از شراب حرام است) (نجفی، پیشین، همان منبع، ۱۷۷).

به نظر می‌رسد که دو دیدگاه فوق در واقع یک دیدگاه است ولی هرکدام، از جنبه خاصی به موضوع نگریسته‌اند. گروه اول که انفیه کشیدن را مستوجب حد می‌دانند: دیدگاهشان ناظر به وضعیتی است که فرد، با کشیدن شراب به بینی خود، آن را وارد حلق یا معده خود می‌کند و از این طریق تغذیه می‌شود. شکی نیست در این صورت این عمل شرب خمر محسوب می‌شود که هم حرام است و هم مستوجب حد، که قانون‌گذار ایران در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی از همین نظر پیروی نموده است. به عبارتی خداوند خمر را نه به خاطر نام آن، بلکه به خاطر عاقبت آن حرام کرده است. پس هر آنچه عمل خمر را انجام می‌دهد و عاقبت آن را دارد، خمر است (حر عاملی، ۱۴۱۹، ق، ج ۱۷، باب ۱۹، ح ۱ و ۲). ولی گروه دوم، کشیدن شراب را به داخل بینی، مجرد استنشام و استنشاق می‌دانند که اگرچه این عمل حرام است ولی دلیل بر اینکه موجب حد شود، وجود ندارد.

۵-۲-۸- مصرف مسکر از طریق حقنه کردن

احتقان در لغت به معنای اماله کردن و تنقیه کردن است و در اصطلاح به معنای وارد کردن شراب از طریق معقد به داخل روده است (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ۷۱).

در مورد استعمال شراب به نحو اماله، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول: حنابله معتقدند چون حقنه کردن وارد کردن شراب به داخل بدن است، شراب‌خواری محسوب می‌شود و مستوجب حد است (حجاوی، بی‌تا، ج ۴، ۲۶۷). دیدگاه دوم: شیعه و مالکیه، شافعی و حنفیه، این شیوه از استعمال را مستوجب حد نمی‌دانند (جزیری، پیشین، ج ۵، ۳۲). دلیل آن‌ها این است که این نحو استعمال، نه خوردن است و نه آشامیدن و نیز از این طریق، شراب به معده و حلق نمی‌رسد تا با آن تغذیه‌ای صورت گیرد (فاضل هندی، پیشین، ج ۳، ۵۵۳).

بنابراین از نظر فقهای امامیه مصرف مسکرات در صورتی موجب ثبوت حد است که مسکر به شکل تناول و از طریق حلق وارد شکم شود. اما به نظر نگارنده در این رابطه می‌توان دیدگاه دیگری را پذیرفت و آن اینکه مسکرات به هر شکلی مصرف شوند که در اثر آن قابلیت مست شدن مصرف‌کننده وجود داشته باشد حد ثابت می‌شود. به عبارت دیگر اگرچه در متون روایی اشاره شده است و فقهی امامیه به گونه‌های خاصی از مصرف مسکرات یعنی «شرب و تناول» اشاره شده است اما باید گفت که شرب و تناول، موضوعیت ندارد و ذکر آن‌ها در متون روایی و فقهی به خاطر غلبه استعمال مسکرات به این شیوه‌ها بوده است. و بر همین مبناست که در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی از عنوان مصرف مسکر که عمومیت داشته استفاده نموده است به عبارت دیگر مصرف نوع خاصی از مسکرات شرط نمی‌باشد، بلکه همان‌طور که در بیان گردید، آنچه ملاک ثبوت حد می‌باشد، قابلیت مست‌کنندگی داشتن ماده مصرفی می‌باشد.

۶-۲-۸- مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر

مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر در صورتی حد را ساقط می‌کند که مسکر، از مسکر بودن خارج شده باشد؛ بنابراین در اینجا مسکر بودن ملاک است. خارج شدن مسکر از شکل ظاهری و تغییر ماهیت آن ملاک نیست. حال اگر فرد خمر را با مایع دیگر مخلوط کند به گونه‌ای که اسم خمر بر آن صادق باشد و

مسکر در مستهلک نگردد، حد ثابت است؛ اما اگر آمیختن مست‌کننده با دیگر ادویه و اغذیه به نحوی باشد که مسکر در آن غذاها و داروها مستهلک گردد و اسم شراب بر آن صدق نکند، اگرچه از نظر اسلام این عمل حرام است به دلیل اینکه حرمت خمر به خاطر نجاست ذاتی آن است و تا زمانی که ذره‌ای از خمر درون آب یا شیء دیگری باشد استعمال آن حرام است ولی حد شرعی بر آن مترتب نیست (زراعت، ۱۳۹۳، ج ۲، ۵۷؛ کریمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۱۲).

حال اگر اجماع بر وجوب حد داشته باشیم می‌پذیریم، ولی چنین اجماعی وجود ندارد و نوشیدن هر مایع حرام که عنوان خمر بر آن صادق نباشد حد ندارد. به عبارتی حرمت نوشیدن ملازمه با ثبوت حد ندارد (موسوی خویی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۱۰۶). اما بعضی از فقها از جمله صاحب جواهر و شهید ثانی قائل به وجوب حد هستند. ولی فقهای معاصر هیچ‌کدام به وجوب حد فتوا نداده‌اند و با عبارتهای مختلف وجوب حد را در این مورد مشکل دانسته‌اند. به‌عنوان مثال امام خمینی می‌فرماید: وجوب حد در صورت مخلوط کردن شراب با اغذیه و سایر مایعات و داروها به‌گونه‌ای که طبیعت و ماهیت آن عوض شود محل تأمل است. آیت‌الله خویی با عبارت «لا یخلو عن اشکال» فرموده‌اند: وجوب حد در صورت فوق خالی از اشکال نیست. مقدس اردبیلی وجوب حد در این مسئله را مشکل دانسته است. ولی صاحب جواهر نظرش بر این است که در صورت امتزاج شراب با ادویه و اغذیه، حد واجب است.

حال در مسئله فوق در خصوص وجوب یا عدم وجوب حد بین اقوال و نظریات فقها اختلاف وجود دارد و انسان را به شک می‌اندازد که آیا در این مسئله حد واجب است یا خیر؟ شک درجایی است که شبهه مسلم وجود داشته باشد و در اینجا شبهه عدم شرب خمر، به‌عنوان یک شبهه صریح وجود دارد پس به سراغ قاعده کلی می‌رویم که بیان می‌کند: الحدود تدرء بالشبهات: حدود با شبهه ساقط می‌شود. اما این بدین معنا نیست که شخص به‌عنوان یک شخص غیر مجرم قلمداد می‌شود بلکه در مورد شخص مزبور تعزیر انجام می‌شود (کریمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۱۴).

اما قسمت ذیل ماده ۲۶۴ با چنین استنباطی سازگار نیست: «... خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند». مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر در صورتی موجب حد است که مسکر را از مسکر بودن خارج نکرده باشد. مفهوم مخالفش این است که اگر مخلوط کردن مسکر با ماده دیگر سبب خروج آن از مسکر بودن شود، حدی بر آن بار نمی‌شود. هرچند ذرات مسکر در آن وجود داشته باشد. برای توجیه این عبارت و سازگار نمودن آن با مقررات دیگر ممکن است گفته شود: مخلوط کردن

مسکر با مواد دیگر، موجب از بین رفتن حرمت یا نجاست آن نمی‌شود، بلکه اگر مست‌کننده نباشد فقط حد ساقط می‌شود و میان حد و حرمت یا نجاست ملازمه وجود ندارد. احتمال دیگر آن است که گفته شود: منظور قانون‌گذار موردی است که در اثر مخلوط ذرات مسکر به‌طور کلی از بین برود و هیچ اثری از آن باقی نمی‌ماند. ولی به نظر می‌رسد احتمال نخست موجه و منطقی‌تر است و تعارض را از بین می‌برد (زراعت، ۱۳۹۳، ۵۸).

۷-۲-۸- مصرف مسکر از طریق خمیر کردن آن با آرد

منظور زمانی است که خمیر درست‌شده با شراب به نان تبدیل شود. در این مورد دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: این عمل حرام و موجب حد است (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ۵۵۰ و ۵۵۳). دلیل این گروه این است که اگرچه شراب مخلوط شده قابل تمییز و تشخیص نیست ولی چون حرام ذاتی است با عدم تمییز آن، حرمت آن از بین نمی‌رود؛ و نیز اصل بقای اجزا است و مطابق این اصل شخص را شراب‌خوار و مستحق حد می‌دانیم (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۱، ۴۵۲).

دیدگاه دوم: حد ساقط است و یا احتمال سقوط حد وجود دارد. اگرچه همه در حرام و نجس بودن آن متفق القولند (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ۴۳۱). دلیل آن‌ها این است که آتش، اجزای شراب را که در نان وجود داشته، از بین برده است؛ مخصوصاً اگر نان، زیاد روی آتش بماند تا خشک شود. ولی چون نجس است و احتمال دارد که اجزایی از آن باقیمانده باشد، شخص تعزیر می‌شود (کریمی جهرمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ۳۱۰). «در اینجا ذرات عقلی موردنظر نیست بلکه از نظر عرف در این غذا خمر موجود است».

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

واژه (خمر) و (مسکر) از عناوین عرفی است و در صدق عنوان مسکر بر مواد مایع، مانند مشروبات الکلی و مواد جامد مانند انواع مواد مخدر و روان‌گردان، باید تابع نظر عرف بود. ضمناً در فقه مذاهب اسلامی تعریف جامع و یکسانی از مسکر وجود ندارد و معیار آن عرف هست.

امروزه یکی از معضله‌ها و مفاسد جامعه، شیوع مسکرات می‌باشد که عقلاً و شرعاً با هر دیدی به آن بنگریم دارای ضررهای بی‌شماری است. علاوه بر خمر، تمامی انواع مسکرات در موجب حد بودن، باهم مساوی هستند؛ اما گاهی مواقع به علت شبهه حد ممکن است ساقط شود و تعزیر در نظر گرفته شود.

اگرچه مسکر در نوشته‌های فقهی منحصر در خمر و چند مایع دیگر است، اما در عرف امروزی و با توجه به گسترش روزافزون مسکرات جدید دیگر نمی‌توان مصادیق مسکرات را منحصر در موارد یادشده دانست. ذکر کردن خمر و مایعات مسکر دیگر در روایات و متون فقهی، به دلیل رایج بودن آن‌ها در آن زمان بوده است و این بدان معنا نیست که اگر در زمان حاضر مسکرات جدیدی به صورت صنعتی و شیمیایی تولید شوند، مشمول احکام آن مسکرات، قرار نگیرند.

اگرچه برخی فقهای امامیه و مذاهب اسلامی، خمر را منحصر در شراب انگور می‌دانند و برخی دیگر آن را شامل تمامی مسکرات مایع می‌دانند، اما در حقیقت، مسکراتی خمر می‌باشند که هم اصالتاً، مایع باشد و هم به شکل سنتی، یعنی تخمیر و تقطیر به دست آمده باشند. طبق این مطلب، مسکرات مایع به مسکرات مایع سنتی یا خمر و نیز مسکرات مایع غیر سنتی یا صنعتی تقسیم می‌شوند.

مسکرات مایع صنعتی، مسکراتی هستند که حاوی مقداری الکل اتیلیک یا اتانول می‌باشد که از طریق صنعتی و با تغییر شیمیایی در سوخت‌های فسیلی همچون گاز، زغال‌سنگ و ... به دست می‌آید، که به خاطر بالا بودن درجه الکی آن، لازم است که با آب مایع دیگر مخلوط و رقیق شود تا قابلیت شرب پیدا کند.

مسکرات منحصر در مسکرات مایع نیست بلکه مسکر می‌تواند به صورت جامد نیز باشد. مسکر جامد نیز یا بدین صورت است که در اصل مایع بوده و بعداً تبدیل به جامد شده است یا از ابتدا جامد است، هرچند ممکن است با آب مخلوط شده و به حالت مایع درآید.

ملاک کلی در مورد مسکرات، قابلیت مست‌کنندگی داشتن می‌باشد، بنابراین هر آنچه عنوان مسکر بر آن صدق کند و یا اینکه دارای قابلیت مست‌کنندگی باشد، خواه به صورت مایع باشد و خواه به صورت جامد، مسکر شرعی و قانونی می‌باشد به عبارتی دیگر لازم است که تشخیص مسکر بودن یا نبودن چیزی به عرف واگذار شود، اما در خصوص اینکه از نظر عرف، مفهوم مست‌کنندگی چیست و اینکه چه چیزی مسکر محسوب می‌شود باید گفت هر آنچه قابلیت مست‌کنندگی داشته باشد، مسکر است هرچند فعلاً مست نکند. بنابراین سکرآور بودن چیزی و قابلیت مست‌کنندگی داشتن آن، از نظر عرف کافی است تا اینکه حکم به مسکر بودن چیزی کند اگرچه به هر دلیلی به خاطر مصرف آن، مستی ایجاد نشود.

مصرف مسکرات، بنا بر فقه امامیه به هر روشی که قابلیت این وجود داشته باشد که منتهی به عواقب مترتب بر مصرف مسکرات یا برخی از آن‌ها شود و قابلیت مست شدن فرد از آن طریق وجود داشته

باشد، می‌تواند موجبی برای ثبوت حد شرب خمر باشد.

در مورد مصرف مسکرات برخی مذاهب اعتقاد دارند که مصرف این نوع مسکرات باید از طریق دهان وارد شکم شود تا حد ثبات گردد، ولی اگر از غیر این طریق مثلاً بینی یا دبر وارد شکم شوند، حد مصرف مسکرات به خاطر شبهه در ثبوت حد با این روش‌ها، ساقط می‌شود اگرچه در این موارد امکان تعزیر وجود دارد و سقوط حد مانع حکم به تعزیر نمی‌شود و برخی دیگر در خصوص روش‌های مصرف مسکرات اعتقاد به سه دیدگاه دارند دیدگاه اول مبنی بر لزوم داخل شدن مسکر از طریق دهان برای ثبوت حد کافی است دیدگاه دوم به هر طریقی به‌غیراز دهان وارد شکم شود مانند حقنه، سعو و ... حد ثابت است. دیدگاه سوم فقط در صورت سعو حد ثابت می‌شود و در مورد حقنه ثابت نمی‌شود. اما به نظر در ثبوت حد، بین نوشیدن و داخل کردن آن در شکم تفاوتی نیست، هرچند بر آن، عنوان نوشیدن صدق نکند، مانند این که لقمه‌ای داخل شراب شود و بعد خورده شود. دلیلش این است که بر اساس فهم عرفی عنوان شرب هیچ خصوصیتی ندارد، بلکه موضوع حکم داخل کردن در شکم می‌باشد، هرچند به غیر عنوان شرب باشد؛ به همین جهت هرگاه شراب در داخل کپسولی قرار گیرد و بلعیده شود، هیچ‌کس تردید ندارد که حکم شرب خمر ثابت می‌شود، با این که در این صورت عنوان نوشیدن صادق نیست، علاوه بر آن، در برخی روایات، حد مترتب بر عنوان شرب نمی‌باشد.

تمامی مذاهب اسلامی به‌غیراز مذهب حنفی، مصرف کم یا زیاد مسکرات را حرام و موجب حد می‌دانند و مذهب حنفی تنها مصرف کم یا زیاد شراب انگور را چنین می‌پندارد و مصرف سایر مسکرات را تنها در صورت ایجاد حالت مستی موجب ثبوت حد می‌داند.

از نظر فقهای امامیه، حد مصرف مسکرات، اختصاص به نوع خاصی از مسکرات ندارد، بلکه تمامی مسکرات اعم از جامد یا مایع، مشمول ادله حرمت و مجازات حدی می‌شوند. اما بنا بر مذهب شافعی و نیز نظر برخی فقهای سایر مذاهب اهل تسنن، حد مسکر اختصاص به مسکرات مایع دارد و مسکرات جامد حتی در صورت تحقق حالت مستی، موجب حد نمی‌شوند.

فقهای امامیه بالاتفاق فقاع را در صورتی که مسکر باشد، مشمول احکام خمر اعم از حرمت مصرف و نجاست و لزوم حد در صورت مصرف، می‌دانند. اما با این وجود، فقهای اهل سنت همگی، قائل به مباح بودن مصرف و طهارت آن می‌باشند.

پیشرفت علم و تکنولوژی در زمینه‌های گوناگون، روش‌های متنوع الکل و تولید سایر مسکرات جامد

اعم از مواد مخدر و روان‌گردان مشکلات جدیدی را در زندگی فردی و اجتماعی برای افراد و جوامع به وجود می‌آورد که در صدر اسلام از آن‌ها خبری نبوده است؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد فقهای مذاهب اسلامی در خصوص این حکم با توجه به عرف زمانه اعلام فتوا نمایند.

هر چیزی که مصرف آن عقل را زایل کند یا باعث اختلال در عقل و سیستم اعصاب مرکزی شود، مانند مواد روان‌گردان و مخدر در حکم خمر هستند. حتی در صورتی که در آن‌ها حد ثابت نباشد، طبق صلاحدید حاکم شرع، افرادی که این مواد را مصرف می‌کنند تعزیر می‌شوند.

از آنجا که ضرر و زیان ناشی از انواع مواد مخدر و روان‌گردان، به مراتب از شرب خمر بیشتر و شدیدتر است، اگرچه درباره حکم شرعی این‌گونه مواد بین فقهای مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که فقهای معاصر مذاهب اسلامی در خصوص مصادیق جدید مسکرات، مانند مواد مخدر و روان‌گردان تحقیق نمایند و با توجه به آثار تخریبی این مواد و مطابق با مصلحت جامعه، فتوایی مناسب با آن صادر نمایند.

از آنجا که روز به روز بر تعداد انواع مسکرات جامد و مایع افزوده می‌شود، پیشنهاد می‌شود که ارتباط و مشاوره علمی بین متخصصانی همچون روانشناسان، پزشکان و جامعه‌شناسان با فقهای معاصر مذاهب اسلامی در خصوص بررسی میزان آثار تخریبی مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان بر جسم و روح انسان‌ها در جامعه برقرار شود و مسئولان فرهنگی و دینی کشور نیز در برنامه‌ریزی‌های خود، مردم را از مفاسد و مضراتی که در اثر استعمال انواع مواد مسکر، متوجه جامعه می‌شود آگاه نمایند، تا گامی مهم در جهت مبارزه با تولید و شیوع این مواد برداشته شود.

از آنجایی که امروزه تولید انواع مسکرات و مصادیق آن، مسائل و مشکلات جدیدی را برای افراد و جوامع به بار آورده است، پیشنهاد می‌شود که مطالعات، تحقیقات و پژوهش‌های جدیدی در خصوص آثار زیان‌بار مسکرات و مواد مخدر و روان‌گردان بر جسم و روح انسان‌ها در جوامع اسلامی، توسط فقهای مذاهب اسلامی، کارشناسان علوم اجتماعی و روانشناسان صورت گیرد و همایش‌ها و میزگردهای تخصصی در خصوص این موضوع برگزار شود و نتایج حاصل از آن از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع عموم رسانده شود.

امروزه با وجود تلاش‌های موجود جهانی در جهت مبارزه با مصرف مواد مسکر و مخدر و روان‌گردان متأسفانه شاهد این واقعیت هستیم که روزبه‌روز این مواد با اشکال و انواع جدید به بازار عرضه می‌شوند؛

بنابراین به نظر می‌رسد که بعضی از کشورها در زمینه مبارزه با تولید و مصرف این مواد، صادق نمی‌باشند. به این معنا که استعمال این‌گونه مواد را برای ملت خودشان ممنوع ساخته‌اند، اما تجارت و صدور آن را به سایر کشورها برای دنبال کردن اهداف اقتصادی و سیاسی خودشان آزاد گذاشته‌اند و از تجارت این مواد سود کلانی عاید خود می‌سازند. پس ضروری به نظر می‌رسد که در سازمان ملل متحد و یونسکو کمیته‌هایی باهدف جلوگیری از تولید و انتشار مواد مذکور با ضمانت اجرایی کافی تشکیل شوند و با همکاری علمای ادیان بزرگ جهان، همچون اسلام و مسیحیت و با جلب همکاری قدرت‌های حاکم، اهدافی را در این جهت برنامه‌ریزی نموده و اجرا نمایند.

مراجع

منابع فارسی

۱. آذر بادگان، حسین‌علی (۱۳۸۱)، بررسی علمی و فقهی الکل و فرآورده‌های آن، فقه، شماره ۳۱ و ۳۲.
۲. آذر نوش، آذرتاش (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ پانزدهم.
۳. آذر، ماهیار، سیما نوحی (۱۳۸۹)، دایره المعارف اعتیاد و مواد مخدر، چاپ دوم، تهران: نشر ارجمند.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۷)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر میزان، چاپ هجدهم.
۵. اسعدی، سید حسن (۱۳۸۲)، پژوهش‌های بنیادی درباره مواد مخدر، تهران: انتشارات مولف، چاپ اول.
۶. باصری، علی اکبر (۱۳۸۴)، پژوهش علمی - کاربردی درباره مواد مخدر، چاپ اول، تهران: نشر وفاق.
۷. (۱۳۸۹)، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم.
۸. تنکابنی، فروغ (۱۳۵۸)، با مجازات اسلامی آشنا شویم، قم: نشر جهاد.

۹. حاجی علی، فریبا، محدثه معینی فر (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حدود و تعزیرات در فقه مذاهب خمس، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۰. زراعت، عباس (۱۳۸۹)، تاثیر مستی بر مسئولیت کیفری، مجله دادرسی، شماره ۸۳، سال چهاردهم.
۱۱. (۱۳۹۳)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات جاودانه، ج ۲ و ۴.
۱۲. علی زاده، عزیرالله (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، چاپ اول.
۱۳. فتحی، حجت الله (۱۳۹۶)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (حدود) مصوب ۱۳۹۲، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، جلد دوم، چاپ دوم.
۱۴. شعار، امیر (۱۳۷۴)، رساله دکتری بررسی عوارض دهانی - دندانی دخانیات، دانشگاه علوم پزشکی تهران: دانشکده دندان پزشکی.
۱۵. کارخیزان، محمد حسن (۱۳۹۲)، کاملترین مجموعه محشی قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات راه نوین، جلد دوم، چاپ اول.
۱۶. کریمی، حسین (۱۳۶۲)، حدود الهی، تهران: انتشارات گروه فرهنگی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف، جلد ۲.
۱۷. گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش (۱۳۹۲)، قانون یار مجازات اسلامی، تهران: چتر دانش، چاپ پنجم.
۱۸. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۹. مومنی گوجانی، نبی الله (۱۳۸۸)، آثار مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴)، مبانی تکلمه المنهاج، ترجمه علی مددی، تهران: نشر حقوق اسلامی، جلد ۱ و ۲، چاپ اول.
۲۱. وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۹)، الکل و فرآورده‌های آن در فقه اسلامی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

۱. ابن عابدین، محمدامین (۱۴۱۲ق)، رد المختار علی الدر المختار، بیروت: نشر دار الفکر، جلد ۴ و ۶
۲. ابن منظور (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، نشر دار صادر، جلد ۱۱.
۳. ابن فهد حلی (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، جلد پنجم.
۴. بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۹ق)، الرسائل الفقہیہ، قم: موسسه علامه وحید بهبهانی، چاپ اول.
۵. تبریزی، جواد (۱۴۱۷ق)، اسس الحدود و التعزیرات، قم: نشر مهر، جلد اول.
۶. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت و فقا لمذهب اهل البيت علیهم السلام، بیروت: دار الثقلین، جلد ۵، چاپ اول.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعہ، قم: موسسه آل البيت علیہ السلام، جلد ۲۵ و ۱۷.
۸. حجاوی، مولی بن احمد (بی تا)، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبلی، بیروت: دارالمعرفه، جلد ۱۴.
۹. حر عاملی، اسماعیل بن محمدحسین خواجهی (۱۴۱۱ق)، الرسائل الفقہیہ، قم، نشر مهدی رجائی.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۴۲۵ق)، تحریرالوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۴.
۱۱. دمیاطی، ابوبکر بن محمد (۱۴۱۸ق)، اعائه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، جلد ۴.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۲)، المفردات فی غرائب القرآن، بیروت: دارالعلم، چاپ اول.
۱۳. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳ق)، الاصلاحات الفقہیہ فی الرسائل العملیہ، بیروت- لبنان: دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، جلد

- ۱، چاپ اول.
۱۵. (۱۴۲۰ق)، تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه «ط - الحديثه»، قم: موسسه امام صادق عليه السلام، جلد پنجم، چاپ اول.
۱۶. (۱۴۱۳ ق)، قواعد الاحكام فى معرفه الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، جلد ۳، چاپ اول.
۱۷. عاملی، محمد بن مکى (شهيد ثانی)، (۱۴۱۰ ق)، اللعه دمشقيه فى الفقه الاماميه، بيروت: نشر دارالتراث - الدر الاسلاميه، جلد ۹، چاپ اول.
۱۸. (۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلاميه، ج ۱۴.
۱۹. عبدالرحمان، محمود (۱۴۱۹ ق)، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهيه، قاهره - مصر: نشر دار الفضيله، جلد اول.
۲۰. (۱۴۱۰ق)، الروضه البهيه فى شرح اللعه دمشقيه - المحشى كلانتر، قم: كتاب فروشى داورى، جلد ۹، چاپ اول.
۲۱. (۱۴۱۹ق)، ذكر الشيعه فى احكام الشريعه، قم: موسسه آل البيت السلام، چاپ اول.
۲۲. فيومى، احمد بن محمد (بى تا)، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، قم: انتشارات دارالرضى، جلد دوم، چاپ اول.
۲۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، جلد ۱۰ و ۳.
۲۴. فتحى بهنسى، احمد (۱۴۱۲ق)، الموسوعه الجنائيه فى الفقه الاسلامى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، جلد دوم، چاپ اول.
۲۵. صيمرى، مفلح بن حسن (۱۴۰۸ق)، تلخيص الخلاف و خلاصه الاختلاف - منتخب الخلاف، قم: انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، چاپ اول، جلد ۳.
۲۶. صدر، محمد باقر (۱۴۰۸ق)، بحوث فى شرح العروه الوثقى، قم: مجمع الشهيدي آيه الله الصدر

العلمی، جلد ۳.

۲۷. طیار، عبدالله بن محمد (۱۴۱۸ق)، المخدرات فق الفقه الاسلامی، ریاض، چاپ دوم.
۲۸. کریمی جهرمی، علی (۱۴۱۴ ق)، دار المنضود فی احکام حدود، چاپ اول، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، جلد دوم.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، جلد ۶، چاپ چهارم.
۳۰. موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۲ ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام، جلد اول.
۳۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: موسسه سید الشهداء علیه السلام، جلد اول، چاپ اول.
۳۲. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، فقه الامام الصادق علیه السلام، قم: موسسه انصاریان، جلد اول، چاپ دوم.
۳۳. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم: نشر دار القرآن الکریم، جلد ۲، چاپ اول.
۳۴. موسوی شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، قم: دار القرآن الکریم، جلد اول، چاپ اول.
۳۵. انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول. (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۶. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: موسسه النشر لجامعه الفید رحمه الله، جلد دوم، چاپ دوم.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب ترجمه و النشر، جلد ۳، چاپ اول.
۳۸. نجفی عراقی، عبد النبی (۱۳۸۰ق)، المعالم الزلفی فی شرح العروه الوثقی، قم: المطبعه العلمیه، چاپ اول.
۳۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار الحیاء التراث

العربی، جلد ۶ و ۴۱، چاپ هفتم.

۴۰. (۱۳۹۰)، جواهر الکلام، حدود و تعزیرات، تهران: انتشارات خرسندی.

مقالات

۱. اصغری، عبدالرضا، مهدی صالحی مقدم (۱۳۹۶)، تحلیل فقهی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۵.
۲. درویش ترابی، محمود، کلانتری، کیومرث (۱۳۹۷)، عنصر زمان و مکان و نقش آن در تحول اجتهاد بر احکام جزائی اسلام، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۶۶ الی ۴۹.
۳. رضایی نسب، مسعود (۱۳۸۸)، مواد مخدر و مبانی فقهی آن ۱، علوم تربیتی (اصلاح و تربیت)، شمار ۸۸، صص ۱۵ الی ۲۲. عظیمی، حبیب الله (۱۳۹۲)، بررسی حکم شرعی استعمال مواد مسکر و روان‌گردان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی، مطالعات تق
۴. ربیعی مذاهب اسلامی، شماره ۳۴، صص ۶۲ الی ۷۷.
۵. سلمانپور، محمد جواد (۱۳۸۲)، مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن، فقه اهل بیت، شماره ۳۵، صص ۱۲۰ الی ۱۵۲.
۶. ملکوتی فر، ولی الله، ساریان نژاد، علی (۱۳۹۰)، پرتویی از آراء فقهی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در کلیات حدود و گذری بر آثار آن در قانون جزای اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۶۸ الی ۱۴۱.

